

حقوق جزاي اختصاصي ۳

➤ مهمترین جرایم علیه امنیت در حقوق ایران

نمونه بارز جرایم علیه امنیت در حقوق ایران و اسلام جرم محاربه می باشد و رسیدگی به این جرایم در صلاحیت دادگاههای انقلاب می باشد.

۱. محاربه

الف) اسلحه کشیدن برای ترسانیدن مردم

ب) بر هم زدن امنیت از طریق سرقت مسلحانه و قطع الطريق

ج) قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی

د) ریختن طرح بر اندازی حکومت اسلامی

ر) نامزد شدن برای تصدی یکی از پست های حساس حکومت کودتا

۲. تشکیل یا اداره یا عضویت در دسته یا جمعیت به قصد بر هم زدن امنیت کشور

۳. تبلیغ علیه نظام یا به نفع گروه های مخالف نظام

۴. جاسوسی و جرایم وابسته به آن

الف) مطلع کردن اشخاص فاقد صلاحیت از اسرار

ب) ورود به اماکن ممنوعه جهت کسب اطلاعات

ج) جمع آوری اطلاعات

د) بی مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده

ر) اخفای جاسوسان یا معرفی آنان به کشورهای بیگانه

ز) جاسوسی به نفع يك دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر

۵. تحريك

۶. تهديد به بمب گذاري وسايل نقليه

۷. همكاري با دول خارجي متخاصم.

۱. واژه محاربه از ریشه حرب گرفته شده است که متضاد کلمه سلم به معنی صلح می باشد. محاربه در اصل به معنی سلب و گرفتن است و از این جهت در مورد کسی که برای جنگیدن با دیگران یا ترسانیدن آنها سلاح می کشد به کار می رود که وی قصد گرفتن جان یا مال یا امنیت دیگران را دارد. در آیه ۳۳ سوره مائده که اصلی ترین آیه ای است که در بحث از محاربه به آن استناد می شود، برای شمول آیه کافر یا مشرک بودن محاربین شرط نیست. با توجه به آیه ۳۴، توبه کنندگان را از شمول آیه مستثنی کرده است. کفاری که به قصد ارباب و غارت اموال با مسلمانان می جنگند از مصادیق بارز محاربین قطاع الطريق هستند که با سلاح راهزنی می کنند. علاوه بر محاربه با خدا و رسول از ((افساد در زمین)) نام برده شده. دلیل لفظی شده شدن قید فی الارض به فساد اینست که عمل ارتكابي حالت بسامان و اعتدال زمین را از بین برده و آن را برای سکونت انسان نامناسب می سازد.

الف) ماده ۱۸۳ ق.م.ا.هر کس را که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی الارض دانسته است. جمله مذکور ترجمه عبارت تجريدالاسلح لاخافه الناس است. ((هرکس)) ارتكاب از سوی زن یا مرد. عدم اشاره به زمان و مکان یعنی در شهر یا خاج شهر در شب یا روز ممکن می دانند.

کلمه مردم در ماده باید نوعی عمومیت در جرم وجود داشته باشد. تبصره ۲ ماده اگر کسی سلاح خود را با انگیزه عداوت شخصی به سوی يك یا چند نفر مخصوص بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد محارب محسوب نمی شود. نظر نگارنده: منظور از سلاح در ماده ۱۸۳ آن چیزی است که برای نزاع و جنگیدن به کار می رود و معنی آن از زمان و مکانی به زمان و مکان دیگر تغییر می یابد. به نظر می رسد که عرف سلاح را اعم از سرد و گرم می داند.

مصاديق اسلحه گرم چيزهايي مثل تفنگ، هفت تير، مسلسل، توپ، تانك و نظاير آنها و مصاديق اسلحه سرد چيزهايي مانند چاقو، شمشير، خنجر، نيزه، قمه و نظاير آنها مي باشد. بدین ترتيب چيزهايي مثل: عصا، سنگ، بيل، داس، تازيانه، ادويه جاتي مثل فلفل، و اعمايي مثل اسيد پاشي، آتش زدن، يا اخذ به قوه، ظاهرا از شمول عنوان اسلحه و در نتیجه محاربه خارج مي گردد. تبصره ۱ ماده ۱۸۳ ق.م.ا. ((كسي كه به روي مردم سلاح بگشود ولي در اثر ناتواني موجب هراس هيچ فردي نشود، محارب نيست.))

علاوه بر دست به سلاح بردن كه عنصر مادي جرم موضوع ماده ۱۸۳ مي باشد، عنصر رواني اين جرم قصد ايجاد رعب و هراس و سلب آزادي و امنيت مردم است.

قصد غير مستقيم: بدین ترتيب هرگاه قصد اوليه كسي از سلاح كشيدن بردن مال مردم يا ربودن هوايما باشد همين كه وي مي داند كه اين كار باعث ترسيدن مردم خواهد شد، مشمول ماده مذکور خواهد شد.

جرايمي كه در حكم محاربه و افساد في الارض محسوب گشته اند، در حالي كه اين جرايم هيچ ارتباطي با سلاح و دست بردن به اسلحه ندارد. مانند: ايجاد كردن مراكز فساد و فحشا در صورتي كه سببيت براي براي فساد عامه داشته باشد. گران فروشي، كم فروشي، عرضه نان نامرغوب و خودداري از عرضه كالا يا از دادن فاكتر به قصد مقابله با حكومت. عبور دادن افراد از مرز در صورتي كه اين عمل مخل امنيت عمومي باشد. ارتكاب ارتشا، اختلاس يا كلاهدرداري با تشكيل و رهبري شبكه چند نفره، خريد، فروش، نگهداري، حمل يا قاچاق مواد مخدر در سطح گسترده و يا باعث اعتياد افراد در بي از يك مورد شدن. جعل، توزيع يا وارد كردن اسكناس رايج داخلي به قصد مبارزه با نظام يا توسط عضوي از يك شبكه مجرمانه، اخلاص در نظام توليد، توزيع، صادرات يا پولي از طريق كارهايي مثل قاچاق ارز، احتكار و گران فروشي، رشا و ارتشا، خارج كردن ميراث فرهنگي از كشور، حيف و ميل كلان اموال مردم با تاسيس شرکتهاي مضاربه اي و مانند آن، تقلب در پيمان ارزي و غيره.

قانوني که بيش از همه به محاربه و افساد في الارض اشاره کرده، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۸۲ می باشد.

۱. برنامه ریزی یا تشکیل جمعیت به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران.
۲. اقدام برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی یا استقلال کشور.
۳. دادن اسرار کشور به دشمن یا بیگانه.
۴. پناه دادن جاسوسان.
۵. تخلف از تکالیف نظامی.
۶. انعقاد قرارداد تسلیم با دشمن.
۷. ادامه جنگ پس از دریافت دستور توقف عملیات.
۸. خودداری از رفتن به مأموریت.
۹. ترک محل نگهبانی.
۱۰. وارد کردن صدمه بدنی به خود برای فرار از کار.
۱۱. غیبت یا فرار.
۱۲. فروش، حیف یا میل یا سرقت وسایل نظامی.
۱۳. سوء استفاده، جعل و تزویر و گزارش خلاف واقع.

می توان نتیجه گرفت که قانونگذار ایران برای شمول عنوان محاربه نسبت به عمل مرتکب، بیش از آنکه به ضابطه دست بع اسلحه بردن توجه داشته باشد به قصد مرتکب دایر بر مقابله و معارضة با نظام و یا آثار ناشی از اعمال وی در ضربه زدن به نظام توجه داشته است و به عبارت دیگر یکی از ۲ ضابطه نوعی و شخصی را برای تشخیص عنوان محاربه به کار برده است.

ضابطه نوعی: سببیت برای فساد عامه، اخلال در امنیت عمومی، افساد و اخلال در نظام، شکست جبهه اسلام، اسارت یا تسلیم نیروهای خودی، تسلط دشمن بر اراضی، مواضع یا افراد خودی، وارد شدن تلفات جانی به نیروهای خودی، ورود ضربه مؤثر به نیروهای مسلح، تقویت شدن دشمن. بدین ترتیب هرگاه رفتار مرتکب در عمل موجب بروز یکی از نتایج سوء فوق گردد عمل او

از يك جرم ساده به جرم محاربه تغيير ماهيت خواهد داد. و از سوي ديگر گاهي با اعمال يك ضابطه شخصي به دليل قصدي كه در ايجاد اخلاق و بر هم زدن امنيت و... محارب و مفسد في الارض محسوب گرديده است.

در صورتي كه انجام اعمال فوق به قصد براندازي حكومت و ايجاد فساد (ضابطه شخصي يا ذهني) يا در مواردی كه در نتیجه اعمال مذکور لطمات جبران ناپذیری به عملیات نظامی وارد آید. (ضابطه عینی یا نوعی) مرتكب به مجازات محارب محكوم می شود.

ب) بر هم زدن امنيت از طريق سرقت مسلحانه و قطع الطريق:

ماده ۱۸۵ ق.م.ا.: سارق مسلح و قطاع الطريق هرگاه با اسلحه امنيت مردم يا جاده را بر هم بزند و رعب و وحشت ايجاد كند، محارب است.

منظور از سلاح: سلاح واقعي، اعم از سرد يا گرم و پر يا خالي مي باشد. ولي شليك كردن سلاح ضرورتي ندارد. ماده ۶۵۳ قانون تعزيرات: هر كس در راه ها و شوارع به نحوي از انحا مرتكب راهزني شود، در صورتي كه عنوان محارب بر او صادق نباشد، به ۳ تا ۱۵ سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه محكوم مي شود.

اولين تفاوت ماده ۱۸۵. در ماده ۶۵۳ دست به سلاح بردن ضرورتي ندارد.

۲. مكان ارتكاب جرم راه ها و شوارع است. اعم از داخل شهر يا خارج از شهر. ولي در ماده ۱۸۵ مثل يك ورزشگاه نيز قابل ارتكاب است.
۳. در ماده ۶۵۳ بايد راهزني ارتكاب يابد. ولي در ماده ۱۸۵ بر هم خوردن امنيت مردم يا جاده مي باشد.

۳-۱. قيام مسلحانه در برابر حكومت اسلامي: ماده ۱۸۶: هر گروه يا جمعيت متشكل كه در برابر حكومت اسلامي (نظام جكهوري اسلامي ايران) قيام مسلحانه كند، مادام كه مركزيت آن باقي است، تمام اعضا و هواداران آن، كه موضع آن گروه يا جمعيت يا سازمان را مي دانند و به نحوي در پيشبرد اهداف آن فعاليت و تلاش مؤثر دارند محاربند اگرچه در شاخه نظامي

شرکت نداشته باشند. نگارنده معتقد است که قدر متقین همان سه نفر می باشد، کمتر از سه نفر را به سختی می توان گروه یا جمعیت دانست.

➤ مجازات مذکور برای تمام اعضا است به شرط این که:

۱. موضع گروه یا جمعیت را در قیام مسلحانه علیه حکومت بدانند.
۲. و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر داشته باشند.

تشخیص مؤثر بودن در هر مورد با قاضی دادگاه می باشد و بدون احراز آن محکومیت اعضا ممکن نخواهد بود. شرکت آنها در شاخه نظامی ضرورت ندارد. شرط دیگر برای شمول ماده نسبت به اعضا آن است که مرکزیت آن گروه یا جمعیت باقی باشد. به عبارتی دیگر کسانی که پس از متلاشی شدن مرکزیت، عضو تشکیلات باشند از شمول ماده خارج خواهند بود

عملا علیه حکومت دست به اسلحه برند. فقها خروج علیه امام عادل که زمامدار امور مسلمین گردیده و در مقام احیای احکام اسلامی است را **بغی** محسوب می کنند و احکام بغات را در مورد چنین افرادی مجری می دانند. برخی بغی را از مصادیق جرم سیاسی در فقه اسلامی دانسته اند.

۴-۱. ریختن طرح براندازی حکومت اسلامی: ماده ۱۸۷ ق.م.ا. هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند، و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار امکانات مالی مؤثر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند، محارب و مفسد فی الارض می باشند.

منظور از گروه، گروه یا جمعیت متشکل نمی باشد. عمل فیزیکی لازم برای تحقق عنصر مادی جرم موضوع قسمت اول ماده عبارت از: ریختن طرح براندازی حکومت اسلامی و تهیه کردن اسلحه و مواد منفجره برای این منظور می باشد.

قسمت اخیر ماده اشخاصی را نیز که با آگاهی و اختیار، یعنی عالما و عامدا، امکانات مالی مؤثر و وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار طراحان می گذارند محارب و مفسد فی الارض دانسته است. برای شمول ماده هدف کمک

کنندگان از اهمیت برخوردار نمی باشد. ولی باید امکانات مالی که در اختیار آنان گذاشته اند باید مؤثر و معتنا باشد. و يك کمک جزئی کفایت نمی کند و عنوان معاونت و مجازات و مباشرت در نظر گرفته شده است.

۵-۱. نامزد شدن برای تصدی یکی از پست های حساس حکومت کودتا.

ماده ۱۸۸ ق.م.ا. هرکس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پست های حساس کودتا نماید و نامزدی او در تحقق کودتا به نحوی مؤثر باشد محارب و مفسد فی الارض است. فرد مشمول این ماده در طرح براندازی حکومت شرکت نداشته بلکه صرفاً قبول کرده است که در صورت پیروز شدن کودتاچیان یکی از پست های حساس حکومت کودتا را قبول نماید. مسلحانه بودن طرح براندازی ضرورت ندارد مگر آنکه این قید را در واژه کودتا مستتر بدانیم که چندان مسلم نیست.

ماده ۱۸۹: اثبات محارب و افساد فی الارض را با يك بار اقرار و شهادت دو مرد عادل ممکن دانسته است.

تبصره ۱- شهادت مردمی را که مورد تهاجم مهاجمان قرار گرفته اند به نفع همدیگر نپذیرفته است.

تبصره ۲- هرگاه عده ای مورد تهاجم محاربان قرار گرفته باشند، شهادت اشخاصی که بگویند به آنها آسیبی نرسیده است نسبت به دیگران پذیرفته می شود.

تبصره ۳- شهادت اشخاصی را که مورد تهاجم قرار گرفته اند اگر به منظور اثبات محارب بودن مهاجمان بوده و شکایت شخصی نباشد، پذیرفته است.

ماده ۱۹۰: حد محاربه و افساد فی الارض را یکی از چهار چیز: قتل، آویختن به دار، اول قطع دست راست و سپس قطع پای چپ، و نفي بلد دانسته و ماده ۱۹۱ قاضی را در انتخاب هر يك از این امور چهارگانه مخیر کرده است. از میان دو قول راجع به تخییر و ترتیب، قانونگذار ما قول اول را که منطبق با

قول پذیرفته شده در تحریر الوسیله می باشد پذیرفته است. حد محاربه به تصریح ماده ۱۹۲ با عضو صاحب حق ساقط نمی شود و در واقع از زمره حقوق الله است.

➤ کیفیت اجرای مجازات های چهارگانه

ماده ۱۹۳ ق.م.ا. محاربه که تبعید می شود باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت و مراوده نداشته باشد.

ماده ۱۹۴ ق.م.ا. مدت تبعید در هر حال کمتر از يك سال نیست، اگرچه بعد از دستگیری توبه نماید، و در صورتی که توبه ننماید همچنان در تبعید باقی خواهد ماند.

ماده ۱۹۵ ق.م.ا. مصلوب کردن مفسد و محارب به صورت زیر انجام می گیرد:

الف) نحوه بستن موجب مرگ او نگردد.

ب) بیش از سه روز بر صلیب نماند، ولی اگر در اثنای سه روز بمیرد می توان او را پایین آورد.

ج) اگر بعد از سه روز زنده بماند، نباید او را کشت.

ماده ۱۹۶ ق.م.ا. بریدن دست راست و پای چپ مفسد و محارب به همان گونه ایست که در حد سرقت عمل می شود.

ماده ۲۰۱ ق.م.ا. قطع چهار انگشت دست راست از انتهای آن، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند؛ و قطع پای چپ از پایین برآمدگی به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند انجام میگیرد. براساس آیه ۳۴ سوره مائده و نظر اکثر فقهای امامیه، توبه محارب قبل از دستگیری مسقط حد دانسته شده بود.

۲- تشکیل یا اداره یا عضویت در دسته یا جمعیت به قصد بر هم زدن امنیت

کشور

ماده ۴۹۸ قانون تعزیرات: هر کس به هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از ۲ تا ۱۰ سال محکوم می شود. این ماده اشکال ماده ۱۱ سابق را مرتفع می سازد.

جنسیت، شغل، سمت و ملیت مرتکبان این جرم از اهمیت برخوردار نمی باشد. مرام این افراد یعنی ایدئولوژی و طرز فکر آنها مهم نیست. لیکن هدف آنها از تشکیل و اداره این جمعیت باید قصد برهم زدن امنیت کشور باشد.

در ماده ۱۱ علاوه بر قصد برهم زدن امنیت کشور، قصد براندازی هم داشته باشند محارب محسوب می شوند.

هرگاه کسی هم دسته یا جمعیتی را تاسیس کرده و هم آن را اداره نماید، به نظر نگارنده نباید جرایم وی را متخلف فرض نمود و او را به تحمل دو مجازات محکوم کرد، بلکه باید او را مرتکب دو جرم غیر مختلف دانسته و بنا به تشخیص قاضی حداکثر از علل مشدده کیفر دانست.

ماده ۴۹۹ مجازات اعضای غیر مؤسس و غیر مدیر: هر کس در یکی از دسته ها یا جمعیت ها یا شعب جمعیت های مذکور در ماده ۴۹۸ عضویت یابد باید به ۳ ماه تا ۵ سال حبس محکوم می گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی اطلاع بوده است.

عنصر روانی

فرض کنید يك نفر جمعیتی را با حضور دو عضو دیگر جهت برهم زدن امنیت کشور تشکیل دهد که یکی از این دو عضو از هدف تشکیل جمعیت مطلع و دیگری نسبت به این امر ناآگاه باشد. در چنین حالتی به نظر نگارنده، عضو تشکیل دهنده مشمول ماده ۴۹۸ و عضو غیر مؤسس ولی مطلع از هدف تشکیلات مشمول ماده ۴۹۹ می گردد. ضمن اینکه عضو غیر مطلع تحت شمول هیچ يك از این دو ماده قرار نگرفته و مشمول مجازات نمی شود. یا اینکه عضو

سوم به هر دليل مثلا برخورداري از عوامل رافعه مسئوليت، مثل جنون، اکراه و صغر سن قابل مجازات نباشد.

ماده ۴۹۹ در مورد کسانی که عضو نبوده بلکه صرفاً حامی یا مبلغ دسته یا جمعیتی می باشند قابل اعمال نیست. و دیگر اینکه هرگاه کسی در بیش از يك دسته یا جمعیت در مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ عضویت داشته یا آنها را تاسیس یا اداره نموده باشد، اعمال او را می توان ارتکاب جرایم متعدد غیر مختلف دانسته و تعدد جرم را از علل مشدده کیفر دانست. هر نظامی برنامه براندازی به مفهوم تغییر و نابودی اساس جمهوری اسلامی ایران را طراحی یا بدان اقدام نموده و به این منظور جمعیت تشکیل دهد یا اداره نماید یا شرکت یا معاونت داشته باشد، محارب محسوب می شود. ماده ۱۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

طراحی: فرد نظامی خود طرح براندازی را می ریزد لیکن در اقدام وی شروع به اجرای طرح ریخته شده از سوی شخص دیگری کرده ولی ناکام مانده است.

ماده ۱۸ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح: هر نظامی که به منظور برهم زدن امنیت کشور ایجاد رعب، آشوب و قتل، جمعیتی با بیش از دو نفر تشکیل دهد یا اداره کند چنان چه محارب شناخته نشود به حبس از ۳ تا ۱۵ سال محکوم می گردد. اعضای جمعیت که نسبت به آن آگاهی دارند، در صورتی که محارب شناخته نشوند، به ۲ تا ۵ سال حبس محکوم می گردند. جرم موضوع این ماده مثل جرایم موضوع ماده ۴۹۸ مطلق بوده و برای تحقق آن حصول نتیجه خاص ضرورتی ندارد.

۳- تبلیغ علیه نظام یا به نفع گروه های مخالف نظام

ماده ۵۰۰ قانون تعزیرات: هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه ها و سازمان های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا يك سال محکوم خواهد شد.

آن دسته از تبلیغاتی مشمول این ماده می شود که علیه کلیت نظام و در واقع به قصد براندازی، و یا به نفع گروه ها و سازمان هایی انجام گیرد که آنها قصد مبارزه با کلیت نظام و براندازی را دارند. از قبیل برگزاری تظاهرات، راه انداختن ایستگاه های رادیویی، تلویزیونی در خارج از یا گویندگی آنها، چاپ و پخش نشریه و اعلامیه، مکاتبه گسترده با سازمان های بین المللی و مصاحبه متعدد علیه نظام و نظایر آن همگی تحت شمول ماده قرار خواهند گرفت. این ماده در مورد کسی اعمال می شود که مباشرت در فعالیت تبلیغی داشته باشد و الا کسی که صرفاً برای مثال دیگری را در جهت تاسیس یک شبکه رادیو تلویزیونی مخالف تشویق کرده و یا برای مساعدت به وی پرداخت حقوق حقوق گوینده آن شبکه را به عهده می گیرد. ظاهراً از شمول ماده خارج و براساس ماده ۷۲۶ به عنوان معاونت در جرایم تعزیری به حداقل مجازات مقرر، یعنی ۳ ماه حبس محکوم می شود. دامنه شمول ماد ۵۰۰ کاملاً محدود و جرم آن نمونه بارزی از جرایم سیاسی است.

تاریخچه جرایم سیاسی

شاید بتوان ادوارد سوم پادشاه انگلستان را ابداع کننده چنین تفکری دانست که مجرمین عادی، مثلاً راهزنان را به استناد اینکه عمل آنها اقتدار شاه را خدشه دار کرده است به عنوان مجرم سیاسی و خائن به کشور مجازات می کرد. از سوی دیگر برخی چون لوئیس پرول مؤلف کتاب ((جرم سیاسی)) همراه با افرادی چون بونگر، گاروفالو، و فری به این جرایم به عنوان جرایم علیه دولت یا جرایم طبقات مظلوم علیه ظالمین نگریسته اند. فرانکلین گدینگز که کتاب لوئیس پرول تحت عنوان جرم سیاسی را به انگلیسی برگردانده است.

یکی از معانی جرم سیاسی، جرایم ارتكابي از سوی دولت به بهانه حفظ نظام و از سوی سیاستمداران به استناد مصلحت یا برای کسب منافع سیاسی است. وی سیاست را بدون اخلاق موجب نابودی جامعه می داند و آن را به علم بدون وجدان که روح را نابود می سازد، تشبیه می کند.

جرائم سياسي بر دو نوع هستند: اين جريم يا بوسيله دولت و يا عليه دولت ارتكاب مي يابند. اعمال نوع اول از جمله همه اعمال هستند كه مبتني بر نقض حقوق بشر بوده و توسط كارگزاران دولتي ارتكاب مي يابند. مثل: بازرسي غير قانوني از منازل افراد، سلب آزادي اشخاص، توقيف غير قانوني اشخاص، اعمال مجازات سخت تر از مجازات مورد حكم، اذيت و آزار بدني و نظاير آنها. و اعمال نوع دوم شامل اعمال چون تظاهرات غيرقانوني، جاسوسي به نفع بيگانگان و نظاير آنها مي شوند.

براي تشخيص ضديت عمل با دولت يكي از دو معيار دروني يا ذهني، نوعي يا بيروني را مي توان به كار برد. مطابق معيار اول به قصد و نيت مرتكب مي نگريم و اينكه آيا منظور او از ارتكاب جرم ضربه زدن به حكومت و نهاد هاي آن و مبارزه مخالفت با آن بوده است يا خير. مطابق معيار دوم به نتايج معقول حاصل از جرم توجه مي كنيم. هرگاه نتيجه اي از جرم حاصل شده و يا مي توانسته است به طور معقولي از آن حاصل شود، به ارکان حكومت لطمه اي به صورت بالفعل يا بالقوه وارد نمايد، جرم ارتكابي را بايد جرم سياسي محسوب كرد وگرنه بايد آن را يك جرم عادي به حساب آورد. در قوانين ايران براي تشخيص جرم محاربه از هر دو معيار استفاده شده است. از يك سو گاهي انگيزه مرتكب از ارتكاب جرم، و از سوي ديگر گاهي آثار زيان بار ناشي از اعمال او موجب تبديل جرم ارتكابي به محاربه مي شود. نمونه هاي نوع اول مواردی هستند كه قصد براندازي نظام يا قصد همكاري با دشمن يا شكست نيروهاي خودي و نظاير آنها موجب محارب محسوب شدن مرتكب دانسته شده است و نمونه هاي نوع دوم مواردی هستند كه تحقق اموري چون اخلال در امنيت داخلي و خارجي يا اخلال در نظام، شكست جبهه اسلام، تقويت دشمن، تلفات جاني، ضربه مؤثر به ماموريت نيروهاي مسلح باعث تبديل جرم مرتكب از يك جرم عادي به جرم محاربه مي شود. اصل ۱۶۸ قانون اساسي: رسيدگي به جريم سياسي بايد با حضور هيأت منصفه در محاكم دادگستري صورت گيرد. تعريف جرم سياسي را براساس موازين اسلامي بر عهده قانون عادي گذاشته است. از لحاظ فقهي شايد نزديكترين مفهوم به جرم سياسي مفهوم بغي باشد كه در لغت به

معني ظلم و تجاوز و نافرمانی و در اصطلاح نمایانگر قیام علیه امام و دولت اسلامي است.

تعريف جرم سياسي در ماده ۱ متن تهیه شده از سوي نهاد غير دولتي: فعل يا ترك فعلي که مطابق قوانين موضوعه قابل مجازات است هرگاه با انگیزه سياسي علیه نظام سياسي مستقر و حاکمیت دولیت و مدیریت سياسي کشور و مصالح نظام جمهوري اسلامي و يا حقوق سياسي، اجتماعي و فرهنگي شهروندان و آزادي هاي قانوني آنان ارتکاب يابد جرم سياسي به شمار مي آید. مشروط بر آنکه مقصود از ارتکاب آن نفع شخصي نباشد.

➤ تعريف جرم سياسي طبق ماده ۲:

۱. تشکیل، اداره يا عضویت در جمعیت ها يا دسته جات با هدف برهم زدن امنیت کشور.
۲. فعالیت تبليغي علیه نظام.
۳. توهين به رئيس يا نماینده سياسي کشور خارجي.
۴. سلب آزادي شخصي افراد ملت يا محروم نمودن آنان از حقوق مقرر در قانون اساسي.
۵. اجتماع و تبانی براي ارتکاب جرایم علیه امنیت.
۶. توهين به مقامات عالي رتبه کشور.
۷. ایراد افطرا و نشر اکاذيب به قصد اضرار يا تشویش اذهان عمومي نسبت به مقامات دولتي.
۸. کلیه جرایم انتخاباتي.
۹. جرایم مندرج در قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن هاي سياسي و صنفی.

➤ متن تهیه شده از سوي وزارت دادگستري جرم سياسي را در ماده ۱ عبارت دانسته از:

اقدام مجرمانه اي که بدون اعمال خشونت توسط اشخاص حقيقي با انگیزه سياسي و يا به وسیله گروه هاي سياسي قانوني علیه نظام سياسي مستقر و

حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران و یا علیه حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان انجام گیرد، مشروط به آنکه انگیزه ارتکاب آن منافع شخصی نباشد.

ماده ۲ مذکور بدون اشاره به مواد قانونی خاص مصادیق جرم سیاسی را موارد زیر دانسته است:

۱. ارتکاب اعمال ناقض استقلال کشور.
۲. ارتباط، مبادله اطلاعات، مواضعه و حتی مصاحبه با بیگانگان که به مصالح ملی صدمه زده ولی از مصادیق جاسوسی نباشد.
۳. دریافت کمک های مالی از بیگانگان برای انجام کارهای سیاسی.
۴. تلاش برای ایجاد یا تشدید اختلاف میان مردم.
۵. افشاء اسناد طبقه بندی شده در صورتی که جاسوسی نباشد.
۶. شرکت در اجلاسهای سیاسی خارجی بدون اخذ مجوزهای لازم.
۷. نشر اکاذیب و شایعه پراکنی.
۸. تشویق افراد و گروه ها به ارتکاب اعمالی علیه منافع نظام و هتک حیثیت مقام های سیاسی خارجی در قلمرو ایران به انگیزه ایجاد صدمه در روابط خارجی.

هر دو متن مورد اشاره به ترتیب در مواد ۳ و ۴، مواردی چون آدم ربایی و گروگان گیری، بمب گذاری و تحدید به آن، سرقت و تخریب اموال، تحریک مردم به جنگ و کشتار با یکدیگر، قاچاق و جاسوسی را از جمله جرایم سیاسی محسوب نکرده اند. نه تنها جرایم ارتكابي علیه اصل نظام و حکومت بلکه جرایمی هم که بر ضد سیاست ها و قوانین مصوب دولت یا نهاد های دولتی ارتکاب می یابند می توانند در صورت برخورداری از سایر شرایط از زمره جرایم سیاسی کحسوب گردند.

➤ سه نوع جرم سیاسی در قانون جزای جدید فرانسه:

۱. جرایم علیه ملت، دولت و صلح عمومی.

۲. جرایم تلفیقي که با انگیزه سياسي ارتکاب یافته ولي منافع اشخاص را مورد نقض قرار داده اند. مثل: به قتل رساندن رهبر يك کشور.
۳. جرایم سياسي مرتبط، يعني آن دسته از جرایمي که در اثناي يك واقعه سياسي رخ داده اند. مثل: شورش در جریان يك تظاهرات سياسي.

جرائم سياسي تفاوت هاي ماهوي و شكلي با جرائم عادي دارند، مثل اینکه ارتکاب آنها موجب به جریان افتادن حکم تعلیقي قبلي نشده و استرداد این دسته از مجرمين مجاز نمي باشد. از نظر مجازات هم تفاوت هايي بين این جرائم و جرائم عادي مشاهده مي گردد. از لحاظ مرجع رسيدگي با لغو دادگاه امنيت دولتي، تفاوت قابل ذکري بين جرائم سياسي با جرائم عادي از لحاظ قوانين فرانسو وجود ندارد ولي از حيث شیوه دادرسي تفاوت هاي جزئي ملاحظه مي شود. برعکس فرانسو، آمريکا و انگلستان، اساسا مقوله جرم و مجرم سياسي را به رسميت نشناخته و با همه جرائم به شیوه واحدي برخورد مي کنند.

۴- جاسوسي و جرائم وابسته به آن:

يکي از مصاديق بارز و قديمي جرائم عليه امنيت جرم جاسوسي است که معمولا يك جرم سازمان یافته و در عين حال فراملي مي باشد، چرا که با ارتکاب آن اطلاعات حياتي يك کشور در زمينه امور نظامي، امنيتي و سياسي از طريق يك نظام سازمان یافته و با استفاده از منابع انساني و نه ابزاري مثل ماهواره اي اطلاعاتي در اختيار کشور يا کشور هاي ديگر قرار ميگيرد. به طور سنتي جاسوسي را هم رديف خيانت به کشور قرار مي دهند، که اولي از سوي خارجيان و دومي از سوي اتباع يك کشور قابل ارتکاب مي باشد. به تدريج این تفکيک در بسياري از نظام هاي کيفري رنگ باخته است. کشورهاي مختلف هم از زمان هاي دور قوانيني را در مورد جاسوسي وضع کرده اند. مثل: کنگره آمريکا در سال ۱۹۱۷ قانون جاسوسي را وضع کرد. جاسوسي از لحاظ موازين حقوق بين الملل جرم محسوب نمي شود.

دهه هشتاد ميلادي كه به دليل رشد ارتكاب اين جرم در اين دهه كه ناشي از شدت جنگ سرد بين آمريكا و شوروي سابق بود، آن را دهه جاسوسي ناميده اند.

سيا در آمريكا، ام.آي پنج و ام.آي شش در انگلستان، موساد در اسرائيل، كا.گ.ب در شوروي.

دلایل جاسوسي:

۱. برخي جاسوسان مزدور هستند و به انگيزه هاي مالي و از روي حرص و آز دست به ارتكاب اين جرم مي زنند. نمونه اين افراد در آمريكا، آلدريچ آمس بود.

۲. انگيزه ديگر، دلایل عقيدتي و ايدئولوژيك برميگردد كه از لحاظ فكري به كشور ديگري غير از كشور خود وابسته مي داند و در نتيجه براي آن كشور جاسوسي مي كند. جاسوسي هاي حزب توده در ايران به نفع شوروي و بلوك شرق سابق و ژنرال ديميتري پوليا كوف.

۳. انگيزه ديگر انتقام گيري است. ادوارد لي هوارد كه كارمند سيا بود، كه به دليل اخراج از سيا اطلاعات خود را در اختيار كا.گ.ب قرار داد.

۴. دليل ديگر گرفتار شدن در جريان رمانتيك و عشقي است. كا.گ.ب در اين موارد مشهور بود.

۵. گاهي فريب خوردن جاسوس است، كه وي تصور مي كند براي يك كشور كار مي كند درحالي كه درواقع از اطلاعات او براي كشور ديگر هم استفاده مي شود. ادوين ويلسون.

۶. در برخي موارد بخاطر ماندن در آن كشور و گرفتن اقامت اطلاعات خود را به آنان منتقل ميكنند. ماندن ويتالي يورچنكو معاون كا.گ.ب در غرب.

۷. گاهي ارتكاب جاسوسي به مشاغل رواني و شخصيتي باز مي گردد. جاسوس با انجام اين كار احساس قدرت و هيجان كرده و از اين طريق ارضاء مي شود. كريستوفر بويس دانشجوي ۲۱ ساله آمريكايي. و يك ديپلمات روسي كه در روزنامه پراودا كه از او تحت عنوان دونالد نام برده است.

و برخي جاسوسان را به عنوان شبه جاسوس مي شناسند که به طور علني مثلا با انتشار نشریه و کتاب، اطلاعاتي را در اختيار بيگانگان قرار مي دهند. اين افراد از سيستم خود ناراضي ولي برخلاف جاسوسان ايدئولوژيك، علاقه اي به سيستم خاص ديگري هم ندارند. فيليپ آگي با انتشار کتابي اطلاعات مهمي را در مورد عمليات ماموران سيا در اختيار کوبا و کشورهاي بلوک شرق قرارداد. هارولد لدینکلسون استادي که روش تربيت جاسوس را در آمريکا تدريس مي کرد ولي جاسوس روسيه بود.

۱-۴ مطلع کردن اشخاص فاقد صلاحيت از اسرار.

ماده ۵۰۱ قانون تعزيرات ، هرکس نقشه ها يا اسرار يا اسناد و تصميمات راجع به سياست داخلي يا خارجي کشور را عالما و عامدا در اختيار افراي که صلاحيت دسترسي به آنها را ندارند قرار دهد يا از مفاد آن مطلع کند، به نحوي که متضمن نوعي جاسوسي باشد، نظر به کيفيات و مراتب جرم به يك تا ده سال حبس محکوم مي شود. اين ماده جانشين ماده ۷ قانون تعزيرات مصوب سال ۱۳۶۲ شده است.

عنصر مادي جرم: ارائه نقشه ها، اسرار يا اسناد يا تصميمات راجع به سياست داخلي يا خارجي به افراد فاقد صلاحيت است. به کار رفتن قيود عالما و عامدا در ماده نشان مي دهد که اولاً فرد بايد دادن اسرار را عمدا نه در حالت مستي ، بي هوشي يا خواب و يا تحت تاثير هيپنوتيزم، اجبار، اکراه و نظاير آنها انجام داده باشد و ثانياً وي بايد هم به محرمانه بودن اسناد و تصميمات و هم به صلاحيت نداشتن کسي که او آنها را در اختيار وي مي گذارد آگاه باشد، والا اگر تصميمات را از جمله تصميمات عادي و غير محرمانه و يا آن فرد را ماموري ذیصلاحيت تصور نمايد و او را از تصميمات آگاه کند مرتکب اين جرم نخواهد شد، ليکن سوء نيت خاص يعني اينکه قصد ضربه زدن به نظام يا برهم زدن امنيت و نظاير آنها را داشته باشد، ضروري نيست.

منظور از دشمن عبارت است از اشرار، گروه ها و دولت هايي که با نظام جمهوري اسلامي ايران در حال جنگ بوده يا قصد براندازي آن را دارند و يا اقدامات آنان برضد امنيت ملي است. تشخيص متخاصم بودن را در صورت محرز نبودن براي دادگاه برعهده شوراي عالي امنيت ملي قرار داده است.

هر نظامي که افراد تحت فرماندهي خود يا پايگاه يا تجهيزات و اطلاعات را به دشمن تسليم يا انشاء نمايد در صورتي که به منظور براندازي نظام و همکاري با دشمن باشد به مجازات محارب و در غير اين صورت به ۳ تا ۱۵ سال حبس تعزيري محکوم خواهد شد.

۲-۴ ورود به اماکن ممنوعه جهت کسب اطلاعات.

ماده ۵۰۳ قانون تعزيرات سال ۱۳۷۵: هر کس به قصد سرقت يا نقشه برداري يا کسب اطلاع از اسرار سياسي يا نظامي يا امنيتي به مواضع مربوط داخل شود و هم چنين اشخاصي که بدون اجازه مامورين يا مقامات ذيصلاح در حال نقشه برداري يا گرفتن فيلم يا عکسبرداري از استحکامات نظامي يا اماکن ممنوعه دستگير شوند به ۶ ماه تا ۳ سال حبس محکوم مي شوند. عنصر مادي جرم مذکور در صدر ماده، ورود به مواضع مربوطه و عنصر رواني آن، ورود عمدي و آگاهانه به عنوان سوء نيت عام و قصد سرقت يا نقشه برداري يا کسب اطلاع از اسرار سياسي يا نظامي يا امنيتي به عنوان سوء نيت خاص است.

ورود غير مجاز: فرض کنيد کسي بدون اجازه وارد محوطه يك پادگان نظامي چند هکتاري مي شود تا اسرار نظامي را از اتاق بايگاني واقع در انتهاي محوطه بربايد. حال آيا به صرف ورود به محوطه اصلي وي را بايد مرتکب اين جرم دانست يا تحقق جرم منوط به ورود او به اتاق بايگاني خواهد بود؟

به نظر نگارنده بايد قائل به تفضيل شد، در مواردی که محل مربوطه وسيع و رسيدن به موضع مورد نظر از آن نياز مند طي مسافت قابل توجهي است، جرم تنها پس از رسيدن به موضع مورد نظر (اتاق بايگاني) به وقوع مي پيوندد و قبل از

آن مرتکب در مرحله شروع قرار دارد و در صورت تصریح به مجازات در قانون، وی را تنها به شروع به ارتکاب جرم محکوم کرد. لیکن هرگاه کل محل چندان مسیع نباشد به محض ورود غیرمجاز شخص به آن می توان ارتکاب جرم را از سوی وی محقق دانست هرچند که او هنوز به اتاق یا طبقه مردنظر خود نرسیده باشد. مثل اینکه کسی با ورود غیر مجاز به ساختمان ریاست جمهوری یا قوه قضائیه قصد رفتن به اتاق بایگانی واقع در طبقه دوم را به قصد کسب اطلاع از اسرار داشته باشد. در این حالت به محض ورود غیر مجاز از در اصلی این جرم از سوی او ارتکاب یافته است، مگر آنکه ورود از در اصلی نیازمند کسب مجوز نباشد، که در این حالت جرم به محض ورود مرتکب به بخشی که بدون اجازه وارد آن شده است، مثلا طبقه دوم یا اتاق بایگانی به وقوع می پیوندد. این جرم به جز عمد در نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکس برداری نیازمند سوء نیت خاص نمی باشد. و فرقی نمی کند که این کار را از روی قصد اخلال انجام داده باشد یا از روی کنجکاو و نگهداری عکس شخصی. و ممکن است از بیرون عکس بگیرد یا ورود مجاز یا غیر مجاز داشته باشد. تنها شرط لازم برای تحقق جرم آنست که از مقامات ذیصلاح اجازه عکس برداری و غیره را نداشته باشد. برای تحقق جرم تمام شدن نقشه برداری یا فیلم برداری و غیره ضرورتی ندارد بلکه همین که فرد در حال انجام این کارها دستگیر شود کفایت می کند.

۳-۴ جمع آوری اطلاعات.

ماده ۵۰۵ قانون تعزیرات: هر کس با هدف برهم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه بندی شده را با پوشش مسئولین نظام یا مامورین دولت یا به نحو دیگر جمع آوری کند چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود.

عنصر مادی این جرم: جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده اعم از محرمانه، خیلی محرمانه، سری یا به کلی سری می باشد. عنصر روانی این جرم: علاوه

بر عمد در جمع آوري اطلاعات ، قصد خاص برهم زدن امنيت کشور مي باشد. بنابراین کسي که صرفاً جهت ارضاء حس کنجکاوي خود به اين کار دست مي زند مشمول ماده نمي گردد. نيت هدف بلاواسطه از ارتكاب جرم و انگيزه هدف مع الواسطه مرتكب است. مثلاً نيت يك تيرانداز کشتن روح طرف و انگيزه وي خالي کردن جيب اوست. انگيزه تائيري در مسئوليت کيفري ندارد و تنها بنا به تصريح قانون مي توان به عنوان يك کيفيت مخففه و مشدده در ميزان مجازات مرتكب مؤثر باشد. بدین ترتيب قصدبرهم زدن امنيت کشور براي شمول ماده ۵۰۵ کفايت مي کند.

ماده ۲۴ قانون مجازات جرایم نیروهاي مسلح: هر نظامي که اسناد يا اطلاعات يا اشيای داراي ارزش را در اختيار دشمن و يا بيگانه قرار دهد و اين براي مصالح کشور مضر باشد به مجازات محارب محکوم خواهد شد. (بندالف) جرم مطلق. و اگر موفق به تسليم آن نشود به حبس از ۳ تا ۱۵ سال محکوم مي گردد. (بندب) در بند الف بطور نوعي و بالقوه مضر است هرچند ورود ضرري بالفعل احراز نگردد. هرگاه تقسيم بندي عنصر مادي به سه بخش رفتار فیزیکی، شرایط و اوضاع و احوال لازم براي تحقق جرم و نتیجه حاصله را بپذیریم شرط مضر بودن از جمله شرایط و اوضاع و احوال و در واقع جزئی از بخش دوم عنصر مادي است و نه بخش سوم آن، و به عبارت دیگر، جرم موضوع بند الف، با قبول اين تفسير يك جرم مطلق خواهد بود و نه مقید.

۴-۴ بي مبالاتي در حفظ اطلاعات طبقه بندي شده.

جاسوسي يك جرم عمدي است، يعني مرتكب با سوء نيت اطلاعات طبقه بندي شده را در اختيار بيگانگان قرار مي دهد.

جرم مطلق، ماده ۵۰۶: چنانچه مامورين دولتي که مسئول امور حفاظتي و اطلاعاتي طبقه بندي شده مي باشند و به آنها آموزش لازم داده شده است در اثر بي مبالاتي و عدم رعايت اصول حفاظتي توسط دشمنان تخليه اطلاعاتي شوند به يك تا شش ماه حبس محکوم مي شوند.

براي تحقق جرم موضوع ماده ۵۰۶ وجود شرایطي ضروري است:

۱. ارتكاب اين جرم تنها توسط مامورين دولتي كه داراي رابطه استخدامي اعم از موقت يا دائم و نيز پيماني، رسمي، روزمرد، خريد خدمت و غيره با دولت مي باشند پيش بيني شده است و بنا بر اين ماده شامل اشخاصي كه مامور دولت نبوده ولي اطلاعات محرمانه اي را به هر دليل ديگر در اختيار دارند، نمي شود.
۲. اين مامورين بايد مسئول امور حفاظتي و طبقه بندي شده باشند و به عبارت ديگر شغل دولتي آنها با مسائل امنيتي و حفاظتي مرتبط باشد. بنا بر اين صرف اينكه يك مامور دولت، مثلاً يك وزير يا معاون وزير يا مدير كل يا رئيس اداره و نظاير آنها اطلاعات محرمانه اي را در اختيار دارد وي را مشمول ماده نمي سازد. اين قيد را مي توان نقصي براي ماده محسوب كرد، زيرا چه بسا بي مبالاتي افراد اخير الذكر، به دليل اطلاعاتي كه دارند، ضرر هاي زيادي را به کشور وارد سازد.
۳. بايد به اين مامور دولت آموزش لازم داده شده باشد. منظور از دادن آموزش لازم آن نيست كه وي حتماً در يك دوره چند ماهه راجع به چگونگي حفظ و رعايت اصول حفاظتي شركت كرده و گواهينامه اخذ كرده باشد، بلكه منظور آنست كه وي در ظرف مدتي كه با توجه به طبيعت كار و براساس عرف و مقررات موجود تعيين مي شود، بطور عملي يا نظري با نحوه كار خود آشنا شده باشد.
۴. اين جرم يك جرم مادي صرف نيست كه بدون وجود عنصر رواني به تحقق بپيوندد، بلكه براي تحقق آن هر چند كه عنصر رواني قصد و نيت ضروري نيست ولي احراز بي مبالاتي ضروري است. بنا بر اين ماموري كه تحت تاثير شكنجه يا هيپنوتيزم يا مستي اجباري و يادرحال خواب اطلاعات خود را بروز مي دهد، مشمول ماده نمي شود. مگر آنكه نفس در اين حالت قرار گرفتن ناشي از بي مبالاتي باشد. بي مبالاتي مامور دولتي مذکور در ماده هم مي تواند نسبت به اصل ارائه اطلاعات باشد. مثل اينكه بدون دقت به كنترل خط تلفن اطلاعات را براي همكار خود بيان نمايد و هم نسبت به شناسايي هويت گيرنده اطلاعات كه مثلاً بدون تحقيق كافي و به صرف ادعاي وي او را مامور ذيصلاحيت دولت ايران تلقي كرده و اطلاعات خود را در اختيار وي بگذارد.

۵. براي تحقق جرم ماده ۵۰۶، مامور دولتي بايد توسط دشمنان تخليه اطلاعاتي شود اين هر دو قيد از اهميت برخوردار هستند. صرف دادن اطلاعات به ديگران يا به افراد فاقد صلاحيت كفايت نمي كند. بلكه گيرنده اطلاعات بايد كسي باشد كه اطلاق لفظ دشمن به وي، به دليل مخالفت عملي با نظام و تلاش در جهت مقابله با آن يا لااقل خطرناك بودن وي بطور بالقوه براي نظام ممكن باشد. پس هر شخص خارجي فاقد صلاحيت دشمن نيست. واژه تخليه اطلاعاتي از اهميت برخوردار بوده و نمايانگر نوعي زمينه چيني براي بيرون كشيدن اطلاعات از ديگري است. به جاي تخليه اطلاعاتي بهتر بود واژه هرگونه افشا، گم كردن و... به كار مي رفت. چون در بزه مورد مطالعه براي كارمند خاطي عنصر مادي وجود ندارد زيرا در بزهي كه به او نسبت داده مي شود فعل يا ترك فعلي از او سر نمي زند.

بي احتياطي: اقدام به انجام كاري است كه فرد نبايد انجام دهد. مثل: داشتن سرعت زياد.

بي مبالاتي: عبارت است از عدم انجام كاري كه انجام آن از وي انتظار مي رود. مثل: راهنما نزدن در هنگام دور زدن با خودرو.

افشا: اعم است از دادن اصل يا تصوير سند به ديگران يا منتشر كردن آن در جرايد و يا صرف مطلع نمودن ديگران از مفاد آن سند در اثر بي احتياطي، بي مبالاتي يا عدم رعايت نظامات دولتي، و مواد ۵۰۶ و ۲۷ موضوع آنها از جرايم مطلق مي باشند و در نتيجه وقوع هيچ نتيجه خاصي براي تحقق اين جرايم ضرورت ندارد.

۴-۵ اخفائي جاسوسان يا معرفي جاسوسان به كشورهاي بيگانه:

ماده ۵۱۰ قانون تعزيرات: هر كس به قصد برهم زدن امنيت ملي يا كمك به دشمن، جاسوساني را كه مامور تفتيش يا وارد كردن هرگونه لطمه به كشور بوده اند شناخته و مخفي نمايد يا سبب اخفائي آنها بشود، به حبس از شش ماه تا سه سال محكوم مي شود.

عنصر مادي جرم موضوع ماده ۵۱۰، مخفي کردن يا سبب اخفای جاسوسان شدن است. عنصر رواني جرم متشکل از سوء نيت عام يعني عمد در مخفي کردن يا سبب اخفا شدن و سوء نيت خاص يعني قصد برهم زدن امنيت ملي يا کمک به دشمن مي باشد.

جاسوس بايد از طرف دشمن ماموريت داشته باشد. مخفي کننده را نمي توان به صرف اخفا معاون جرمي محسوب کرد که شخص مخفي شده بعدا مرتكب مي شود. مگر اينکه او را تحريك، تشويق يا تطميع مرتكب و يا تسهيل ارتكاب جرم و يا يکي از اعمال ديگر مذکور در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامي تلقي شود. و عنصر رواني معاونت نیز احراز گردد.

۴-۶ جاسوسي به نفع يك دولت بيگانه و به ضرر دولت بيگانه ديگر:

ماده ۵۰۲: هرکس به نفع يك دولت بيگانه و به ضرر دولت بيگانه ديگر در قلمرو ايران مرتكب يکي از جرايم جاسوسي شود، به نحوي که به امنيت ملي صدمه وارد نمايد به يك تا پنج سال حبس محکوم مي شود.

تابعيت مرتکبان اين جرم مؤثر در مقام نيست؛ يعني چه جاسوس تابعيت کشوري را داشته باشد که له يا عليه آن جاسوسي مي کند، و چه ايراني يا تابعه کشور ثالثي باشد مشمول ماده ۵۰۲ قرار خواهد گرفت.

۵- تحريك

ماده ۵۰۴ قانون تعزيرات: هر کس نيروهاي رزمنده يا اشخاصي را که به نحوي در خدمت نيروهاي مسلح هستند تحريك مؤثر به عصيان، فرار، تسليم يا عدم اجرائي وظيف نظامي کند، در صورتي که قصد براندازي حکومت يا شکست نيروهاي خودي در مقابل دشمن را داشته باشد، محارب محسوب مي شود و الا چنانچه اقدامات وي مؤثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال، و در غير اين صورت به شش ماه تا سه سال حبس محکوم مي شود.

عنصر مادي جرم، تحريك مؤثر مي باشد. مؤثر به معنای اساس و مهم بكار رفته است. هرگاه تحريك مؤثر با سوء نيت خاص كه قصد براندازي حكومت يا شكست نيروهاي خودي انجام شده باشد، فرد تحريك كننده در هر حال با اعمال يك ضابطه شخصي و بدون توجه به نتيجه حاصله از تحريك، محارب محسوب و به مجازات آن جرم محكوم خواهد شد.

۱. تحريك مهم و اساسي به قصد براندازي حكومت يا شكست نيروهاي خودي در هر حال و بدون توجه به نتيجه حاصله مجازات را در پي دارد.

۲. تحريك مهم و اساسي بدون قصد براندازي حكومت يا شكست نيروهاي خودي در صورت مؤثر واقع شدن در عصيان، فرار، تسليم يا عدم اجراي وظائف موجب حبس از دو تا ده سال مي گردد.

۳. تحريك مهم و اساسي بدون قصد براندازي حكومت

يا شكست نيروهاي خودي در صورت مؤثر واقع نشدن در عصيان، فرار، تسليم يا عدم اجراي وظائف موجب حبس از شش ماه تا سه سال مي شود.

ماده ۵۱۲: جرم تحريك مردم را به كلي پيش بيني کرده كه از مصاديق باررز جريم عليه امنيت داخلي کشور است. هر کس مردم را به قصد برهم زدن امنيت کشور به جنگ و کشتار با يکديگر اغوا يا تحريك کند، صرف نظر از اينکه موجب قتل و غارت بشود يا نشود، به يك تا پنج سال حبس محكوم مي گردد. براي تحقق اين جرم و مجازات تحريك کننده، وجود و احراز سوء نيت خاص به شکل قصد برهم زدن امنيت کشور ضروري است.

۶- تهديد به بمب گذاري وسايل نقليه

ماده ۵۱۱ قانون تعزيرات: هر کس به قصد برهم زدن امنيت کشور و تشويش اذهان عمومي تهديد به بمب گذاري هواپيما، کشتي و وسايل نقليه عمومي نمايد يا ادعا نمايد که وسايل مزبور بمب گذاري شده است، علاوه بر جبران خسارت وارده به دولت و اشخاص به شش تا دو سال حبس محكوم مي گردد.

عنصر مادي اين جرم، تهديد يا ادعا نسبت به بمب گذاري در وسايل نقليه و عنصر رواني آن علاوه بر سوء نيت عام، يعني عمد در تهديد يا ادعا، عبارت از سوء نيت خاص، به شکل قصد برهم زدن امنيت کشور مي باشد. تهديد نسبت به آینده و ادعا نسبت به گذشته است. تهديد حتما با عملکرد فرد يا فرد و گروه ديگري که وي بر کار آنها کنترل دارد، مرتبط است. ليکن ادعا لزوما چنين نيست. قطعا براي شمول ماده ادعا بايد کذب و عاري از حقيقت باشد.

۷- همکاري با دول خارجي متخاصم

ماده ۵۰۸ قانون تعزيرات: هر کس يا گروهی با دول خارجي متخاصم به هر نحو عليه جمهوري اسلامي ايران همکاري نمايد، در صورتي که محارب شناخته نشود، به يك تا ده سال حبس محکوم مي گردد. همکاري اعم از سياسي، نظامي، تبليغي.

➤ تشديد و تخفيف مجازات در جريم عليه امنيت کشور:

۱. تشديد مجازات: هرکس در زمان جنگ مرتکب يکي از جريم عليه امنيت داخلي و خارجي موضوع اين فصل شود به مجازات اشد همان جرم محکوم مي شود. منظور از مجازات اشد در اين ماده حداکثر مجازات پيش بيني شده در قانون مي باشد.

۲. تخفيف يا معافيت از مجازات: ماده ۵۰۷، هر کس داخل دستجات مفسدين يا اشخاصي که عليه امنيت داخلي يا خارجي کشور اقدام مي کنند، بوده و يا رياست يا مرکزي نداشتند باشد و قبل از تعقيب، قصد جنائت و اسامي اشخاص را که در فتنه و فساد دخيل هستند به مامورين دولتي اطلاع دهد و يا پس از شروع به تعقيب با مامورين دولتي همکاري مؤثري به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتي که شخصا مرتکب جرم ديگري شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد. توبه بايد قبل از دستيابي نظام انجام گرفته باشد. به نظر مي رسد دستيابي يك مرحله قبل از دستگيري است. براي مثال توبه کسي که در هواپيما در حال ورود ناشناس به فضا و

خاك ايران توبه مي كند، در حالي كه مامورين با شناسايي قبلي وي جهت دستگير كردن او در فرودگاه حاضر شده اند. علي الاصول احراز توبه با قاضي است و تفاوت نمي كند كه ابراز آن نزد حاكم باشد يا نه.

دليل پيش بيني تخفيف يا معافيت از مجازات در جرايم نيروهاي مسلح سنگيني آنها و خطرات كسترده نهفته در آنهاست. يه علاوه كشف اينگونه جرايم و مجرمين به دليل ماهيت مخفيانه و سازماني آنها با دشواري انجام مي گيرد و بهترين راه براي كشف اين جرايم جلب همكاري مجرمين دخيل در ماجرا از طريق شويق آنها به مراجعه به مقامات دولتي و تسليم شدن است.

➤ ساير جرايم عليه امنيت كشور

الف: سوء قصد به جان مقامات سياسي

۱. سوء قصد به جان مقامات سياسي داخلي يا مذهبي داخلي.
۲. سوء قصد به جان مقامات سياسي خارجي.

ب: توهين

۱. توهين به مقدسات.
۲. توهين به رهبري قبلي و فعلي.
۳. توهين به ساير مقامات دولتي ايران.
۴. توهين به مقامات سياسي خارجي.

ج: تخريب

۱. آتش زدن اموال به قصد مقابله با حكومت اسلامي.
۲. شكار يا صيد حيوانات وحشي محافظت شده.
۳. اتلاف اسناد دولتي.
۴. نهب و غارت

۵. تخریب جنگل ها، درختان و مراتع.
 ۶. خرابکاری در وسایل مورد استفاده عمومي به منظور اخلاص در نظم و امنیت.
 ۷. اقدام علیه بهداشت عمومي.
 ۸. تخریب اموال تاریخي، فرهنگی.
 ۹. تخریب وسایل و تجهیزات راه آهن.
 ۱۰. اخلاص در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تاسیسات هواپیمایی.
 ۱۱. اخلاصگري در صنایع.
 ۱۲. اخلاصگري در صنایع نفت.
 ۱۳. تخریب وسایل و تجهیزات نظامي از سوي نظامیان.
 ۱۴. تخریب در زندان توسط زندانی.
 ۱۵. شکستن مهر یا پلمب یا دفتر ثبت و ضبط دولتي یا اسناد موجود در اماکن دولتي.
 ۱۶. تخریب اسناد مربوط به امام خميني (ره).
- د: تبايی برای ارتكاب جرایم علیه امنیت.
- ذ: اشاعه اکاذیب.
- ه: تظاهر، قدرت نمایی، هیاهو و جنجال.
- و: اقدام برای جدا کردن قسمتي از قلمرو حاکمیت ایران.

الف: سوء قصد به جان مقامات سیاسی

از مصادیق بارز تروریسم سیاسی می باشد. پرفسور فرایدلندر نویسنده: سوء قصد به جان جولیس سزار در سال ۴۴ قبل از میلاد به عنوان یکی از قدیمی

تريّن انواع تروريسم اشاره کرده اند. مبدا آغاز تروريسم، مخصوصا تروريسم سياسي سازمان يافته، را در ايران به زمان اسماعيليه به رهبري حسن صباح نسبت مي دهند. تروريسم مسلما باعث نقص حقوق بشر براي حيات، آزادي و امنيت شخصي است. حق آزاد بودن از ترس و واهمه در مقدمه ميثاق بين المللي حقوق اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي و ميثاق بين المللي حقوق مدني و سياسي مورد تاكيد قرار گرفته است. براي تروريست مخصوصا تروريست سياسي، ايجاد ترس و وحشت در قربانيان مستقيم اين جرم يا بطور غير مستقيم در افراد ديگر، هدف اصلي مي باشد. تروريسم به شكل يك جرم سازمان يافته و گروهی ارتكاب مي يابد.

تاريخچه واژه تروريسم و تفكيك آن از ترور

اين واژه براي اولين بار در سال ۱۷۹۵ ميلادي براي توصيف حكومت ترس و وحشت كه در فرانسه حاكم بود بكار رفت. در سطح حقوق بين المللي، اصطلاح تروريسم براي اولين بار در جريان سومين كنفرانس بين المللي كردن حقوق جزا در بروكسل در سال ۱۹۳ بكار رفت.

➤ تقسيم بندي تروريسم: ۱. سياسي. ۲. غير سياسي. ۳. بين المللي.

کشورهايي مثل ايران بيشتري از تروريسم داخلي در رنج بوده اند. و دولت آمريکا گرفتار تروريسم خارجي بود.

تروريسم هاي يك موضوعي: افراد و گروه هاي هستند كه براي حمايت از يك موضوع خاص به عمليات تروريستي دست مي زنند. گروه مخالف سقط جنين يا حماي حقوق حيوانات.

نوع سومي از تروريسم از دهه شصت رخ داده است كه تروريسم رسانه اي نام دارد. يعني حمله كردن به هر كس صرفا به قصد كسب تبليغات رسانه اي، كه اين را مي توان به پيروي از كميسيون بوش در امركا نوعي تئاتر سياسي يا

تبليغات عملي دانست. بسياري از ترورهاي كور و بي هدف در دوران پس از پيروزي انقلاب اسلامي از اين نوع بوده است.

افزايش موج تروريسم، افزايش انواع سلاح ها و مواد منفجره و سهولت دسترسي به آنها و تسهيل رفت و آمد به نقاط مختلف جهان و اشاعه وسايل ارتباط جمعي است.

ارتباط متقابل بين تروريسم و وسايل ارتباط جمعي

دخالت وسايل ارتباط جمعي علاوه بر پوشش خبري دادن به اهداف تروريست ها، گاهي به قيمت جان گروگان ها تمام شده است.

مشكل ارائه تعريف از تروريسم: چون آن كس كه از نظر يك شخص تروريست محسوب مي شود، از نظر ديگري يك مبارز راه آزادي است.

پس از جنگ جهاني دوم در سال ۱۹۵۴ كميسيون حقوق بين المللي سازمان ملل متحد در ماده ۲۵ پيش نويس قانون جرايم عليه صلح و امنيت بشري، تشويق يا حمايت يك کشور از اعمال تروريستي در کشور ديگر يا عدم مقابله يك کشور با اقدامات سازمان يافته براي انجام اعمال تروريستي در کشور ديگر را جرمي عليه صلح و امنيت بشري و يك جرم بين المللي دانست.

۱. سوء قصد به جان مقامات سياسي يا مذهبي داخلي

ماده ۵۱۵ قانون تعزيرات: هر كس به جان رهبر يا هريك از رؤساي قواي سه گانه و مراجع بزرگ تقليد سوء قصد نمايد، چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا ده سال محكوم مي شود. هر كس با نيت فساد و مقابله با حكومت به جان رهبر يا رئيس جمهور سوء قصد نمايد و پس از شروع به عملي كه خارج از اراده مرتكب است بلااثر بماند در حكم محارب است.

عنصر مادي جرم عبارت از سوء قصد است. سوء قصد به معني عرفي آنست، يعني كسي كه نه تنها از مرحله فكر و اندیشه گذر کرده باشد بلكه

عمليات مقدماتي مثلا خريد اسلحه را نيز پشت سر گذاشته و دست به عمليات اجرايي قتل بزند ولي پس از شروع، بنا به دلایلي قصد او بلااثر بماند.

هرگاه نیت فساد و مقابله با حکومت به عنوان سوء نیت خاص، احراز گردد، مرتکب را می توان در حکم محارب دانسته و به مجازات محاربه محکوم کرد.

۲. سوء قصد به جان مقامات سياسي خارجي

ماده ۵۱۶ قانون تعزیرات: هر کس به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سياسي آن در قلمرو ایران سوء قصد نماید به مجازات مذکور در ماده ۵۱۵ محکوم می شود. مشروط به اینکه در آن کشور نیز نسبت به ایران معامله متقابل بشود والا اگر مجازات خفیف تر اعمال گردد به همان مجازات محکوم می شود. منظور از نماینده سياسي، رئیس هیات نمایندگی کشور خارجی در ایران و یا هر مقام دولتي آن کشور است که پیرو دعوت رسمي دولت ایران در اجرايي يك وظیفه دولتي به ایران سفر کرده است.

علاوه بر شرط عمل متقابل، شرط دیگر تقاضاي دولت مربوطه یا نماینده سياسي آن دولت یا مطالبه مجني عليه یا ولي اوست و در صورت استرداد تقاضا تعقیب جزايي نیز موقوف خواهد شد.

ب: توهين (جرم مطلق)

از جمله جرایم علیه حیثیت و اعتبار معنوي اشخاص می باشد. از ریشه وهن به معنی سست گردانیدن است. توهين لفظي را فحش می نامند. توهين فعلي مثل آب دهان به روی دیگری انداختن. برای تشخیص اهانت آمیز بودن هر رفتار خاص باید به عرف زمان و مکان رجوع کرد.

توهين به طبقه و گروهی از اشخاص، بدون معین کردن مصادیق خاص، توهين کيفري محسوب نمی شود. مگر اینکه تعداد آنچنان کم باشد که متوجه تك تك آنها شود، مثل دانش آموزان يك کلاس.

الفاظ و حرکات مرتکب، صراحت بر توهين داشته باشد. و ديگر آنکه ارتجالي و ابتدائي بودن توهين ضروري است، يعني کسي که در پاسخ به توهين شفاهي ديگري به او توهين مي کند مرتکب جرم نمي شود. توهين با ترك فعل نيز قابل تحقق است.

حضور ي بودن توهين شرط نيست و توهين مي تواند در غياب شخص مورد توهين ولي در حضور ديگران صورت پذيرد.

برخي علني بودن را شرط تحقق جرم توهين دانسته اند.

توهين به مردگان توهين کيفري موضوع ماده ۶۰۸ (توهين ساده، قابل گذشت) محسوب نمي شود، مگر به گونه اي باشد که عرفا هتاکي به بازماندگان تلقي شود.

جرم توهين نياز به عنصر رواني يعني عمد در توهين کردن دارد. که مستلزم آگاهي است.

البته سوء نيت خاص مثلاً قصد اذيت و متالم کردن طرف شرط نيست. و مخاطب توهين در عمل ناراحت شود شرط نمي باشد. به عبارت ديگر اين جرم از زمره جرايم مطلق بوده و نيازي به نتيجه ندارد. توهين از زمره جرايم با ماهيت خصوصي و نيازمند شکايت شاکي خصوصي است.

گاهي توهين ۱ به اعتبار شخصيت و مقام طرف، اهانت. ۲ يا به اعتبار شيوه و نحوه، ارتکاب. ۳ يا به اعتبار کيفيت و ماهيت توهين، افترا. مشدد گشته و مجازات آن نيز تشديد مي شود. جنسيت يا سن قرباني موجب تشديد مجازات است.

۱. توهين به مقدسات

ماده ۵۱۳ قانون تعزيرات: هر کس به مقدسات اسلام و يا هر يك از انبياء عظام يا ائمه طاهرين(ع) يا حضرت صديقه طاهره(س) اهانت نمايد، اگر مشمول حکم ساب النبي باشد اعدام مي شود، و در غير اينصورت به حبس

از يك تا پنج سال محكوم مي شود. همان طور كه در بحث از توهين ساده مطرح شد ظاهرا نمي توان براي ترك از فعل مجازاتي قائل شد.

عنصر رواني جرم مذكور در ماده ۵۱۳ عمد در توهين است كه مستلزم آگاهي نسبت به موهن بودن رفتار مورد بحث مي باشد.

۲. توهين به رهبري فعلي و قبلي

ماده ۵۱۴ قانون تعزيرات: هر كس به حضرت امام خميني، بنيانگزار جمهوري اسلامي ايران، و مقام معظم رهبري به نحوي از انحاء اهانت كند به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال محكوم مي شود.

۳. توهين به ساير مقامات دولتي ايران

ماده ۶۰۹ قانون تعزيرات: هر كس با توجه به سمت، به يكي از رؤساي سه قوه يا معاونان رئيس جمهور يا وزراء يا يكي از نمايندگان مجلس شوراي اسلامي يا نمايندگان مجلس خبرگان يا اعضاي شوراي نگهبان يا قضات يا اعضاي ديوان محاسبات يا كاركنان وزارتخانه ها و مؤسسات و شركت هاي دولتي و شهرداري ها در حال انجام وظيفه يا به سبب آن توهين نمايد به ۳ تا ۶ ماه حبس و يا تا ۷۴ ضربه شلاق و يا پنجاه هزار تا يك ميليون ريال جزاي نقدي محكوم مي شود. اشخاص مورد حمايت در اين ماده مامورين دولتي مي باشند و كارشناس به عنوان يك فرد قابل تعقيب است.

رويه قضايي ايران محدوديت ديگري را نيز براي افراد مشمول ماده تعيين کرده و آن اينست كه اين افراد متصدي اعمال حاكميت دولت باشند و نه اعمال تصدي آن. منظور از اعمال حاكميتي اعمايي هستند كه دولت از حيث برخورداري از قدرت عمومي و در راستاي اعمال قدرت مزبور انجام مي دهد. مثل اعمال انتظامي و قضايي و نظاير آنها. عمل تصدي برعكس، عملي است كه دولت نه از حيث اعمال قدرت عمومي بلكه به مانند ساير اشخاص انجام مي دهد و مثل بانكداري يا اشتغال به فعاليت هاي تجاري ديگر.

براي شمول ماده ۶۰۹ تحقق ۲ شرط ضرورت دارد:

۱. توهين با توجه به سمت شخص شخص مورد توهين قرار گيرد. يعني اينکه توهين کننده به مقام طرف آگاه باشد.
۲. توهين در حال انجام وظيفه يا به سبب آن باشد.

چه به صورت علني: بدون حضور خودش در برابر همکاران او و چه حضوري: بدون حضور ديگران در حضور او توهين شود مورد شمول ماده خواهد بود.

هر گاه توهين به کارمند دولت در حال انجام وظيفه او صورت گيرد بايد حضوري باشد، ليکن هرگاه توهين به سبب انجام وظيفه باشد مي توان در حضور کارمند يا در حضور ديگران صورت گيرد.

توهين به مامورين دولتي مطابق قانون ايران آنست که اين جرم برخلاف توهين ساده موضوع ماده ۶۰۸ از زمره جرايم داراي ماهيت عمومي و غير قابل گذشت مي باشد.

۳. توهين به مقامات سياسي خارجي

ماده ۵۱۷ قانون تعزيرات: هرکس علنا نسبت به رئيس کشور خارجي يا نماينده سياسي آن که در قلمرو خاک ايران وارد شده است، توهين نمايد به يك تا سه ماه حبس محکوم مي شود. مشروط به اين که در آن کشور نيز در مورد مذکور نسبت ايران معامله متقابل بشود. توهين بايد علني باشد

ج) تخريب

جرم تخريب از جمله جرايم عليه اموال و مالکيت محسوب مي شود. اين جرم را مي توان عبارت از نابود کردن يا خسارت وارد آوردن عمدي به مال متعلق به غير دانست.

بدین ترتیب: نابود کردن یا ایراد خسارت به مال متعلق به غیر، عنصر مادي. و عمدي بودن عمل، عنصر رواني آن است.

عمل فیزیکی در عنصر مادی معمولاً به شکل فعل مثبت ارتکاب می‌یابد ولی تصور تحقق این جرم با ترک فعل هرچند بعید لیکن ممکن است. مثل اینکه سوزنبنانی عمداً مانع را فرود نیاورد تا اتومبیلی بر اثر تصادف با قطار در حال عبور خسارت ببیند. نابود کردن یا ایراد خسارت لزوماً نسبت به مال صورت می‌گیرد؛ لیکن هرگاه کسی مشروبات الکلی یا مواد مخدر دیگری را از بین ببرد یا هوای خانه دیگری را با دود و مواد مسموم کننده آلوده نماید و یا انسانی را مضروب سازد مشمول مقررات راجع به تخریب مال قرار نخواهد گرفت. همچنین اموال غیرعینی و غیرملموس مشمول عنوان تخریب قرار نمی‌گیرد. مثل حق اختراع یا اسرار تجاری.

کسی که يك زمین فوتبال را لعب یا شخم می‌زند، هم از نظر حقوق ایران و هم از لحاظ حقوق انگلستان، مرتکب جرم تخریب کیفی شده است. مقدمه جرمی برای جرم دیگر تعدد جرم است و مورد بالا از موارد تعدد جرم است. صرف از بین بردن بخشی از مال یا ایراد خسارت به مال کفایت می‌کند. مانند کندن در بقعه امامزاده، لگدمال کردن چمن‌های تزئینی، ولی نه چمن‌هایی که بر روی زمین فوتبال کاشته می‌شوند.

صرف باز کردن قفل درب با استفاده از پیچ گوشتی بدون وارد کردن هیچ‌گونه خسارتی به آن اساساً تخریب محسوب نمی‌شود.

تشخیص ورود خسارت به مال، با توجه به ماهیت آن مال، برعهده عرف می‌باشد. ورود غیر مجاز به ملك دیگری به حقوق مالك لطمه وارد شده است و تخریب نیست. خسارت غیر مستقیم مثل اینکه شخص با قطع آب به پای درختان، به دیگری خسارت بزند. و احراز رابطه علیت بین فعل شخص و خسارت دیدن شخص وجود داشته باشد. مال نابود شده یا خسارت دیده باید متعلق به غیر باشد.

عنصر روانی جرم تخریب در حقوق ایران عمد در خراب کردن مال متعلق به دیگری است. عنصر مادی و روانی باید با هم تقارن زمانی داشته باشند. بدین ترتیب هرگاه کسی به قصد شکار پرنده‌ای تیری را رها کند و تیر او بر اثر خطا در هدف‌گیری به انسانی برخورد کرده و او را بکشد، شخص تیرانداز را

نمي توان قاتل عمد محسوب کرد، هرچند که وي در روز بعد با گذر کردن از همان محل جسد روز گذشته را انسان زنده اي بپندارد و به قصد کشتن او تيري به سويش رها سازد. علي رغم برخورداري وي از عنصر مادي و عنصر رواني قتل با توجه به مقارن نبودن اين دو عنصر از نظر زماني، مجموعه اعمال او تحت دو عنوان مجزاي قتل غير عمد (در روز اول) و جرم محال (در روز دوم) قابل بررسي است.

علاوه بر لزوم تقارن زماني داشتن دو عنصر مادي و رواني اين دو عنصر بايد مربوط به جرم واحدي باشند. قصد و نيت اعم است از مستقيم يا غير مستقيم. به عبارت ديگر کسي که به قصد کشتن مسافران هواپيما، آن را بمب گذاري کرده و هواپيما را منفجر مي کند همان قدر قاتل عمد است که کسي اين کار را به قصد تخریب محموله هواپيما و در نتیجه اخذ خسارت از شرکت بیمه و با علم به کشته شدن مسافران انجام مي دهد.

براي تحقق جرم تخریب ضرورتي ندارد که قصد نابود کردن و خسارت به همان مالي وجود داشته باشد که عملا نابود شده و يا خسارت دیده است. مثلا هرگاه کسي به قصد شکستن شیشه ساعت آن را روي ماشين بکوبد و خودرو آسیب ببیند وي مرتکب جرم کيفري شده است. و اگر يکي از اين دو متعلق به وي باشد به دليل عدم تحقق يکي از شرايط لازم (عنصر مادي يا رواني) مرتکب جرم تخریب محسوب نخواهد شد.

۱. آتش زدن اموال به قصد مقابله با حکومت اسلامي

ماده ۶۷۵: هر کس که عمدا عمارت يا بنا يا کشتي يا هواپيما يا کارخانه يا انبار و به طور کلي هر محل مسکوني يا معد براي مسکن يا جنگل يا خرمن يا هر نوع محصول زراعي يا اشجار يا مزارع يا باغ هاي متعلق به ديگري را آتش بزند، مجازات حبس از دو تا پنج سال و اگر با اعمال يك ضابطه ذهني و به قصد خاص مقابله با حکومت مرتکب شود مجازات محارب را تعيين کرده است.

۲. شکار يا صيد حيوانات وحشي حفاظت شده

ماده ۶۸۰ قانون تعزیرات: هر کس بر خلاف مقررات و بدون مجوز قانوني اقدام به شکار يا صيد حيوانات و جانوران وحشي حفاظت شده نمايد به حبس از سه ماه تا سه سال جزاي نقدي از يك و نيم ميليون ريال تا ۱۸ ميليون ريال محكوم خواهد شد. شکار و صيد با فعل مثبت ارتكاب مي يابند و تفوتي نمي کند که حيوان زنده گرفته شده يا کشته شود.

۳. اتلاف اسناد دولتي

ماده ۶۸۱ قانون تعزیرات: هر کس عامدا دفتر و قبالة ها و ساير اسناد دولتي را بسوزاند يا به هر نحو ديگري تلف کند به حبس از دو تا ده سال محكوم خواهد شد. منظور از اسناد يا دفاتر دولتي، اسناد رسمي است.

۴. نهب و غارت

ماده ۶۸۳: هر نوع نهب و غارت و اتلاف اموال و اجناس و امنعه يا محصولات که از طرف جماعتي بيش از سه نفر به نحو قهر و غلبه واقع شود، چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از دو تا پنج سال محكوم خواهند شد.

۵. تخریب جنگل ها، درختان و مزارع

ماده ۶۸۶ قانون تعزیرات: هر کس درختان موضوع ماده يك قانون گسترش فضاي سبز را عالما و عامدا و برخلاف قانون مذکور قطع يا موجبات از بين رفتن آنها را فراهم کند علاوه بر جبران خسارت وارده، حسب مورد به حبس تعزيري از ۶ ماه تا ۳ سال و يا جزاي نقدي از ۳ ميليون تا ۱۸ ميليون ريال محكوم خواهد شد.

به نظر مي رسد که اين جرم حتي توسط مالک درخت نیز قابل ارتكاب باشد؛ زیرا يك جرم عليه آسایش عمومي است و نه جرمي عليه اموال.

۶. خرابكاري در وسايل و تاسيسات مورد استفاده عمومي به منظور اخلاص در نظم و امنيت عمومي

ماده ۶۸۷ قانون تعزیرات: هر کس در وسايل و تاسيسات مورد استفاده عمومي از قبيل شبکه هاي آب و فاضلاب، برق، نفت، گاز، پست و تلگراف و تلفن و

مراکز فرکانس و میکروویو و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آنها، اعم از سد و کانال و انشعاب لوله کشی و نیروگاه های برق و خطوط انتقال آنها که به هزینه یا سرمایه دولت یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیر دولتی یا بخش یا توسط بخش خصوصی برای استفاده عمومی ایجاد شده و همچنین در علائم راهنمایی و رانندگی و سایر علائمی که به منظور حفظ جان اشخاص یا تامین تاسیسات فوق یا شوارع و جاده ها نصب شده است، مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختی یا هر نوع خرابکاری دیگری شود، بدون آنکه منظور او اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد، حبس از ۳ ماه تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد.

۷. اقدامات علیه بهداشت عمومی

ماده ۶۸۸: هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود، از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه ها، زباله در خیابان ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند، به حبس تا يك سال محکوم می شوند.

۸. تخریب اموال تاریخی و فرهنگی (جرم مقید)

اوج این تهاجمات علیه آثار تاریخی ایران در دوران قاجاریه بوده است. در کلیه جرایم مذکور در این فصل، سازمان میراث فرهنگی یا سایر دواير دولتی، برحسب مورد، شاکي یا مدعي خصوصی محسوب می شوند. در صورتی که اینگونه عملیات موجب تزلزل بنیان این آثار یا ورود خرابی و لطمه به آنها شود مرتکب قابل مجازات می باشد. بدین ترتیب این جرم از زمره جرایم مقید است. و لطمات فیزیکی و عادي مورد نظر است.

تشخيص ماهيت تاريخي فرهنگي اموال بر عهده سازمان ميراث فرهنگي کشور است. هرگاه فروش اموال مذکور تحت هر عنوان از عناوين بطور مستقيم يا غير مستقيم به اتباع خارجي صورت گيرد، مرتكب به حداکثر مجازات مقرر محکوم مي شود. مجازات اشد تنها بر فروشنده تحميل مي گردد و نه بر خريدار خارجي.

۹. تخریب وسایل و تجهیزات راه آهن

شدت اين مجازات ها به نوع واقعه حادث شده، تعداد مرتکبين، وجود عمد يا بي مبالاتي در مرتكب بستگي ندارد.

۱۰. اخلال در امنيت پرواز هواپيماها و خرابکاري در وسایل و تاسيسات هواپيمايي.

۱۱. اخلال گري در صنايع

در ماده ۴ اين قانون براي مواردی که جهت ارتکاب جرایم مذکور دسته ها يا جمعيت هايي تشکيل شوند، هرچند که هيچ يك از اين جرایم ارتکاب نيابند، مجازات هايي تعيين شده است، مگر آنکه اعضاي دستجات يا جمعيت هاي مورد اشاره، قبل از وقوع جرم، جريان توطئه را به مقامات مربوطه اطلاع دهند. حداقل تعداد افراد حاضر در دسته يا جمعيت دو نفر تعيين شده است.

۱۲. اخلال گري در صنايع نفت

حداقل تعداد افراد حاضر در دسته يا جمعيت در اين قانون سه نفر تعيين شده است.

۱۳. تخریب وسایل و تجهیزات نظامي از سوي نظاميان

که حکم محارب دارد.

۱۴. تخریب در زندان توسط زنداني

ماده ۵۴۷ قانون تعزيرات: هر زنداني که از زندان يا بازداشگاه فرار نمايد به شلاق تا ۷۴ ضربه يا سه تا شش ماه حبس محکوم مي شود. و اگر براي فرار

درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد، علاوه بر تامین خسارت وارده، به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

۱- شکستن در زندان برای فرار انجام گرفته و ۲- زندانی عملاً فرار کرده باشد. و تفاوتی بین انواع حبس قائل نشده است.

۱۵. شکستن مهر یا پلمب یا دفاتر ثبت و ضبط دولتی یا اسناد موجود در اماکن دولتی

مواد ۵۴۳ و ۵۴۶ قانون تعزیرات برای این موضوع پیش بینی شده اند.

کلیه کارمندان دولت در محدوده وظایف خود مقامات رسمی محسوب می شوند... به عبارت دیگر کسی که با احراز و رعایت شرایط قانونی و با صدور حکم تصدیر مقامی را عهده دار می گردد و وظایف و تکالیفی به عهده وی گذارده شده است، مقام رسمی محسوب می گردد.

۱۶. تخریب اسناد مربوط به امام خمینی (ره)

هر کس عمداً به انهدام یا تخریب اسناد و نسخ اصلی و منحصر به فرد مکتوب حضرت امام (ره) و یا آثار غیر مکتوب، از قبیل آثار سمعی و بصری، اقدام کند، علاوه بر جبران خسارت وارده به ۴ ماه تا ۲ سال حبس یا از ۱۰ تا ۳۰ ضربه شلاق، ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال جزای نقدی و یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد، مگر مکتوباتی که جنبه شخصی داشته باشد.

(د) تبانی برای ارتکاب جرایم علیه امنیت کشور

منظور از تبانی، توافق بین دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم می باشد. این جرم را می توان یک جرم ناتمام نامید، چرا که توافق کنندگان به منظور و هدف مورد نظر خود نرسیده اند، لیکن مجازات کردن تبانی به معنی مجازات کردن اندیشه مجرمانه صرف نمی باشد، زیرا عنصر مادی جرم با حصول توافق تحقق یافته است.

گابریل تارد نیز در بتره قاعده تقلید افراد از یکدیگر در اجتماع دو کتاب خود فلسفه جزایی توضیح داده است.

عناصر متشکله جرم تباني: تباني يکي از جريمي است که تفکيک بين عنصر مادي و عنصر رواني آن آسان نمي باشد. زيرا عنصر مادي تباني توافق است. عنصر رواني تباني را بايد قصد عملي کردن توافق دانست. سوء نيت خاص بايد در تباني کنندگان احراز شود تا بتوان آنها را به تباني براي ارتکاب آن جرم محکوم کرد، ولي عالم بودن آنان به جرم بودن عمل ضرورتي ندارد. به محض وقوع توافق عنصر مادي جرم محقق مي گردد.

۱. تباني چرخشي: يعني اينکه يك نفر به عنوان رهبر گروه با افراد ديگري در تماس بوده و نظر همه آنها را به ارتکاب جرم جلب کرده است. بدون اينکه آن افراد هيچ تماسي با يکديگر داشته باشند.
۲. تباني زنجيره اي: وقتي است که براي ارتکاب يك جرم شخص الف با ب، ب با ج، و ج با دال در ارتباط بوده است. در هر دو حالت وجود هدف مشترك ضروري است.

در صورت اعتقاد به مستمر بودن اين جرم، هرگاه تباني کنندگان از عملي کردن توافق خود منصرف شوند مبدا مرور زمان تاريخ عدول آنها خواهد بود و نه تاريخ نيل به توافق. بعلاوه در صورت معتقد بودن به استمرار داشتن اين جرم، افراد مختلف مي توانند در زمانهاي مختلف به يك تباني موجود بپيوندند و در عين حال همگي طرف هاي تباني واحدي محسوب شوند. از لحاظ صلاحيت محکمه نيز هر محکمه اي که تباني کنندگان در قلمرو صلاحيت آن يافت شوند، حق محاکمه آنها را براساس قوانين خود خواهد داشت. محکوم کردن دو يا چند نفر به تباني براي ارتکاب جرم منوط به آن است که جرم مورد نظر ارتکاب نيافته باشد والا، در صورت ارتکاب جرم توسط آنها، بايد آنان را فقط به ارتکاب جرم تام محکوم کرد و محکوم کردن آنها به تباني محملي نخواهد داشت.

اين که يکي از طرفين تباني بنا به يك دليل شخصي، مثل جنون يا صغر سن يا برخورداري از مصونيت براي مورد تعقيب واقع شدن در يك کشور، در صورت ارتکاب جرم غايي از مسئوليت کيفري مبري باشد را ظاهرا نبايد به معني عدم تحقق تباني دانست. بنابراين در چنين حالي طرف ديگر به ارتکاب تباني محکوم خواهد شد. مگر آنکه اساسا توافق طرف مقابل را نتوان احراز کرد، مثل اينکه وي يك صغير غير مميز يا مجنون فاقد قوه تميزي باشد که

اساسا نتوان گفت که براي ارتكاب جرم توافق کرده است. همين طور اگر وي از طرف گروهی اکراه شده باشد نيز به نظر نگارنده، تحقق تباني بعید به نظر می رسد، زیرا در اینجا اراده مکره (اکراه شونده) در واقع از اراده مکره (اکراه کننده) جدا نیست که بتوان توافق دو اراده را محرز دانست.

تباني براي ارتكاب جرم محال است؟ که الف و ب باهم تباني بر کشتن ج کنند در صورتی که ج قبلا مرده بوده است. در حقوق انگلستان این توافق را صراحتا تباني جزايي حسوب کرده است ولي در حقوق ايران با توجه به لزوم تفسير به نفع متهم و اینکه فقها تجري (نوشیدن آب به تصور اینکه شراب است) را جرم و قابل مجازات دنیوي نمی دانند، محکوم کردن افراد به ارتكاب تباني جزايي در چنین مواردی بعید به نظر می رسد.

توافق مشروط

هرگاه اجرائی توافق منوط به تحقق شرایطی باشد، مثل اینکه طرفین با یکدیگر توافق نمایند که از دیگری درخواست وام کرده و در صورت خودداری وی از دادن وام او را مضروب نمایند، ظاهرا نمی توان آنان را به تباني برای ایراد ضرب محکوم کرد دلیل این امر آن است که در چنین حالتی اجرائی موفقیت آمیز توافق آنان لزوماً به معنی ارتكاب جرم توسط آنها نمی باشد. برعکس هرگاه آن دو توافق کنند که دیگری را به شرط آنکه فرد قوی هیكلی نباشد کتک بزنند، ظاهرا باید این توافق را تباني برای ارتكاب جرم دانست زیرا انجام موفقیت آمیز آن لزوماً مشتمل بر ارتكاب جرم می باشد، یعنی یا توافق اساساً اجرا نمی شود و یا اگر اجرا شود توام با ارتكاب جرم خواهد بود. همين طور هرگاه دو نفر توافق نمایند که در صورت تحقق حادثه ای در آینده جرمی را مرتکب شوند. (ریاست مجلس)

به نظر نگارنده مشکل بتوان آنان را مرتکب جرم تباني دانست، مگر آنکه واقعه مورد نظر رخ داده و آنها هم چنان بر توافق خود پایبند مانده باشند یا به توافق جدیدی برسند.

مکان حصول توافق: مسلماً تباني در صورتي در ايران قابل تعقيب و مجازات مي باشد که توافق انجام شده براي ارتکاب عملي باشد که از لحاظ قوانين ايران جرم محسوب مي شود.

۱. تباني در ايران براي ارتکاب جرمي در ايران: که قطعاً در ايران به شرط وجود ساير شرايط قانوني قابل تعقيب و مجازات است.

۲. تباني در ايران براي ارتکاب جرمي در خارج: از يك سو مي توان گفت که اين تباني در صورتي در ايران قابل تعقيب و مجازات است که عمل قابل ارتکاب در خارج مثلاً به دليل اينکه جزء جرايم مذکور در ماده ۵ ق.م.ا. (اقدام عليه امنيت کشور يا جعل) است در ايران قابل تعقيب و مجازات باشد. اين موضع شبیه حقوق انگلستان است. و از سوي ديگر طبق ماده ۳ ق.م.ا. قوانين جزايي در مورد کليه کساني که در قلمرو حاکميت زميني، دريائي و هوايي جمهوري اسلامي ايران مرتکب جرم شوند اعمال مي گردد و تباني نيز طبق قوانين ايران جرم و در اين مورد در قلمرو حاکميت ايران نيز ارتکاب يافته است. بنابر اين بايد در ايران قابل تعقيب و مجازات باشد.

۳. تباني در خارج براي ارتکاب يك جرم عمومي در ايران يا خارج: اين مورد به نظر نگارنده تنها در صورتي در ايران قابل مجازات و تعقيب است که مرتکبان يا لااقل يکي از آنها ايراني باشند. البته هرگاه تباني را جرم مستمر بدانيم، که نظر نگارنده همين است. تباني کننده خارجي نيز در صورت ورود به ايران، با توجه به اينکه همچنان در حال ارتکاب جرم است، قابل تعقيب مي باشد مگر آنکه قبل از ورود به ايران از تباني قبلي عدول کرده باشد.

۴. تباني در خارج براي ارتکاب يك جرم عليه امنيت ايران در ايران يا خارج: اين که خود نوعي اقدام عليه حکومت جمهوري اسلامي ايران به نظر نگارنده در ايران قابل تعقيب و مجازات خواهد بود.

شروع به ارتكاب تباني و معاونت در آن

تحقق شروع به جرم در ارتكاب تباني غير قابل تصور به نظر مي رسد. زيرا توافق يا انجام مي شود يا نمي شود و قابل تجزيه نمي باشد. ليكن معاونت در تباني ممكن به نظر مي رسد، مثل اينكه كسي اسباب حصول توافق بين دو يا چند نفر را براي ارتكاب جرم فراهم نمايد، مثلا آنها را با هم آشنا يا محلي را براي انجام مذاكرات و برگزاري جلسات آنان در اختيارشان بگذارد يا آنان را به رسيدن به توافق تشويق نمايد. برعكس، تباني در معاونت هم قابل تصور است، زيرا معاونت خود جرمي است كه امكان تباني در آن، مثل تباني در هر جرم ديگري متصور است، مثل اينكه دو نفر تباني كنند كه به ديگري در ارتكاب جرم جاسوسي مساعدت نمايند.

انواع تباني هاي كيفري

همان طور كه از متن دو ماده ۶۱۰ و ۶۱۱ استنباط مي شود، تحقق جرم تباني در ماده ۶۱۱ علاوه بر حصول توافق به ارتكاب جرم بين دو يا چند نفر، منوط به تحقق دو شرط است.

۱. اينكه توافق كنندگان مقدمات اجرايي را هم تدارك ديده باشند. تهيه مقدمات اجرايي به معني شروع به ارتكاب جرم وي بايد از مرحله تهيه مقدمات گذشته و وارد عمليات اجرايي شده باشد. هرگاه كسي اقدام به خريد اسلحه نمايد مرتكب شروع به قتل نشده ولي هرگاه دو نفر اين مقدمات اجرايي را پيرو توافق با يكديگر دايير بر كشتن كسي، تدارك ديده باشند، به ارتكاب تباني كيفري محكوم خواهند شد.

۲. دومين شرط براي حصول ماده ۶۱۱ آن است كه توافق كنندگان بدون اراده خود موفق به اقدام نشده و مثلا قبل از اقدام دستگير شده باشند. بدین ترتيب عدول ارادي هريك از افراد از انجام مورد توافق باعث سلب مسئوليت كيفري وي براساس ماده ۶۱۱ خواهد شد.

ذ: اشاعه اكاذيب

مبنای شرعی جرم اشاعه یا نشر اکاذیب، از جمله آیه ۱۹ سوره نور است که می فرماید: ان الذین یحبون... فی الدنیا و الاخره... . صرف قصد مرتکب دایر بر ایراد ضرر به غیر و یا تشویش اذهان مومی یا مقامات رسمی کفایت می کند، که این قصد در واقع سوء نیت خاص لازم برای تحقق جرم است که وجود آن باید علاوه بر سوء نیت عام یعنی عمد در اظهار مطالب خلاف واقع احراز گردد. اشاعه اکاذیب باید بوسیله نامه، شکوائیه، مراسله، عریضه، گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی با امضاء یا بدون امضاء یا به عنوان نقل قول صریح یا ضمنی از شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی صورت گیرد. از مصادیق مذکور در ماده می توان استنباط کرد که اظهارات شفاهی از شمول ماده خارج است و ظاهراً رویه ضایعی غالب نیز همین را تأیید می کند. در صورتی که این جرم متوجه شخص یا اشخاص معین باشد حق الناس و قابل گذشت و در غیر این صورت غیر قابل گذشت دانسته است. در حال حاضر این جرم از زمره جرایم قابل گذشت و دارای ماهیت خصوصی دانسته شده، نگارنده معتقد است که موضع اتخاذ شده در اولین نظریه مشورتی فوق الذکر بهترین موضع در این میان بوده است. هرگاه اخبار کذب از طریق مطبوعات منتشر گردد جرم مطبوعاتی بوده و باید به عنوان يك جرم مطبوعاتی با وجود هیات منصفه مورد رسیدگی قرار گیرد.

ه: تظاهر، قدرت نمایی و هیاهو و جنجال

مواد ۶۱۷ و ۶۱۸ قانون تعزیرات از زمره جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی هستند. جرم موضوع ماده ۶۱۸ از زمره جرایم مقید است. یعنی عملاً باید در نظم عمومی اخلال ایجاد شده یا مردم از کسب و کار بازداشته شوند. یکی از مصادیق این ماده عمل کسانی است که در دل شب و در حالی که دیگران در حال استراحت و نیازمند آرامش می باشند، به آوازخوانی و هلله کردن غیر متعارف در خیابان ها می پردازند. و اگر جرایم در مواد ۶۱۶ و ۶۱۷ و ۶۱۸ در نتیجه توطئه قبلی و دسته جمعی واقع شود به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهند شد.

و: اقدام برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت ایران

ماده ۲۰ ق.م. جرایم نیروهای مسلح: هر نظامی که به نحوی از انحا برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا برای لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید به مجازات محارب محکوم می شود.

دانلود جزوات و نمونه سوالات بیشتر در کانال تلگرام ما
[telegram.me/sopnuu](https://t.me/sopnuu)

فصل دوم

جعل و استفاده از سند مجعول

جعل در لغت به معني دگرگون كردن، منقلب نمودن. جرم جعل به جرم كلاهبرداري بسيار نزديك است، از آن رو كه در هر دو جرم نوعي تحريف حقيقت و توسل به حبله و تقلب مشاهده مي شود. بعلاوه در بسياري از موارد، ولي نه هميشه، جرم جعل در راستاي تهيه مقدمات براي ارتكاب كلاهبرداري و بردن مال ديگري ارتكاب مي يابد.

اولاً: با توجه به اينكه اسناد رسمي از حقوق عمومي بوده و قانون براي تنظيم و تهيه آنها تشريفات خاصي پيش بيني کرده است، جعل و تزوير در آنها قابل گذشت نيست و حتي مقنن در مورد تعليق موضوع ماده ۴۰ قانون راجع به مجازات اسلامي در بند ۲ تبصره ۵ ماده ياد شده، به لحاظ آثار بد اجتماعي، اين قبيل جرايم را از شمول مقررات تعليق، موضوع ماده ۴۰ صريحا خارج نموده است. رضاييت در اين نوع جرايم فقط از علل مخففه مجازات است.

ثانياً: جعل در اسناد عادي با لحاظ ماده ۱۵۹ قانون تعزيرات از حقوق الناس بوده و قابل گذشت مي باشد.

در حال حاضر كلييه جرايم مذکور در اين مواد (جرايم عليه امنيت، قلب و مخدوش كردن سكه، جعل و استفاده از سند مجعول) جزء جرايم برخوردار از ماهيت عمومي و در نتيجه غير قابل گذشت مي باشند. در قانون ايران تعريفی از جرم جعل ارائه نشده است. بلکه احكام راجع به انواع مختلف آن طی ۲۰ ماده؛ ۵۲۳ الي ۵۴۲ در فصل ۵ قانون تعزيرات مصوب سال ۱۳۷۵ آورده شده اند.

ماده ۵۲۳: جعل و تزوير عبارتند از: ساختن نوشته يا سند يا ساختن مهر يا امضاي اشخاص رسمي يا غير رسمي يا خراشيدن يا تراشيدن يا قلم بردن يا الحاق يا محو يا اثبات يا سياه كردن يا تقديم يا تاخير تاريخ سند نسبت به تاريخ حقيقي يا الصاق نوشته اي به نوشته ديگر يا بكار بردن مهر ديگري بدون اجازه صاحب آن و نظاير اينها به قصد تقلب.

هرگونه ساختن مهر ديگري يا بكاربردن آن بدون اجازه وي جعل مهر محسوب مي شود.

حقوق دان انگليسي يلکستون تعريف از جرم جعل ارائه داده است: جعل عبارت است از ساختن يا تغيير دادن محيلانه يك نوشته يه ضرر ديگري.

به نظر نگارنده جعل ساختن يا تغيير دادن آگاهانه نوشته يا ساير چيزهاي مذکور در قانون به ضرر ديگري به قصد جا زدن آنها به عنوان اصل.

مصاديق جعل مذکور در ماده ۵۲۳:

۱. ساختن نوشته يا سند.
۲. ساختن مهر يا امضاي اشخاص رسمي يا غير رسمي.
۳. خراشيدن يا تراشيدن.
۴. قلم بردن.
۵. الحاق.
۶. محو يا اثبات يا سياه کردن.
۷. الصاق نوشته اي به نوشته ديگر.
۸. بكاربردن مهر ديگري بدون اجازه صاحب آن.

۱-۳- ساختن نوشته يا سند

در اين مورد جاعل به ساختن يك نوشته يا سند اعم از رسمي يا غير رسمي (شناسنامه، وصيت نامه و...) دست مي زند. لزومي ندارد كه در ساختن اينگونه نوشته يا سند امضاي كسي هم جعل شده باشد. و اين سند قابليت ضرر به غير را داشته ياشد. هرگاه در مصالحه نامه ساختگي، مهر يا امضاء يا اثر انگشت منتسب به كسي كه ورقه به نام او شده موجود نباشد، چون چنين ورقه اي هيچ گونه سنديتي ندارد عمل مشمول مواد موضوعه در قسمت جعل نبوده و جرم بشمار نمي آيد. نوشته محدود بر روي اوراق كاغذ است. به نظر نگارنده يك تابلوي نقاشي محسوب نمي شود. و بدون جعل امضاي آن نقاش معروف جاعل

محسوب نمي شود. البته اگر با فروش آن تابلوي نقاشي پولي بدست آورد
کلاهبردار محسوب خواهد شد.

ساختن تقليبي چيزهايي مثل بسته يندي دور يك کالا، يا مجسمه يا نوار ضبط
صوت و ديסקت يا کالاهاي ساخته شده، مثل ابزار و آلات موسيقي، يا تحريف
گفته هاي يك شخص يا تقليد صدای وي يا عکس خود را بر روي کارت
شناسايي ديگري چسباندن و نظاير اينها نمي تواند جعل محسوب شود؛ زيرا هيچ
يك از اينها را نمي توان نوشته محسوب کرد. بلکه منظور از نوشته مشمول
مقررات راجع به جعل، حروف، کلمات، ارقام و علامت هاي هستند که قابل
خوانده شدن مي باشند، آنها در صورتي که بر روي برگه هاي کاغذ نوشته شده
باشد ولي البته دست نويس بودن يا به زبان فارسي بودن آنها ضرورتي ندارد
بلکه مي توانند تايپ يا چاپ شده و به زبان ديگر هم باشند.

۲-۳- ساختن مهر يا امضاي اشخاص رسمي يا غير رسمي

منظور از امضاء هر علامتي است که شخص در زير يك سند يا نوشته براي
منتسب کردن آن به خود مي گذارد. در اروپا امضاء از قرن ۱۶ ميلادي موسوم
بود و در ايران با طلوع مشروطيت جاگزين مهر به عنوان وسيله اي آسان تر
شد. در ايران باستان مهر از زمان هخامنشيان موسوم بوده و در اسلام نيز از
سال ۶ هجري.

گاهي افراد پر مشغله امضاي خود را بر روي مهري حڪ مي کنند و از آن در
زير نوشته ها و نامه هايي که از اهميت چندانتي، از حيث قابليت انتساب به
صاحب مهر برخوردار نيستند استفاده مي کنند.

آيا بر اين مهرهاي امضاء بايد احکام امضاء را بار کرد يا احکام مهر را؟

به نظر نگارنده: بر اين موارد احکام مهر بار مي شود و در نتيجه ساختن مهر
امضاء مشمول عنوان مهر مي شود و نه ساختن امضاء.

لازم به ذکر است که دادگاههاي ايران معمولاً ساختن اثر انگشت را نیز تحت عنوان جعل، تعقيب کرده اند.

در مورد جرم محال به نظر نگارنده اساس جرم جعل آنست که مدرک يا امضاي قلابي به اين قصد درست شود که اشخاص را بفریبد تا آن را به عنوان اصل پذیرفته و مورد عمل قرار دهند و از این طریق ضرري هرچند بطور بالقوه ایجاد شود. بنابراین هرگاه چنین احتمالی از نظر افراد معقول ممکن باشد جرم جعل محقق خواهد بود هر چند که در عمل نوشته یا امضاي مذکور فاقد اثر باشد و هرگاه این احتمال اساساً منتفی بوده، یعنی نوشته یا امضاء بطور واضح و آشکار در نظر افراد معقول غیر قانونی و فاقد اثر تشخیص داده شده و چه بسا تنها اسباب خنده و مضحکه شود، جعل به نظر نگارنده محقق نخواهد شد. به نظر نگارنده اساس جرم جعل به اشتباه انداختن است نه شبیه بودن. تغییر در صورتی جعل محسوب می شود که بر روی يك سند یا نوشته اصیل و معتبر واقع شود و نه بر روی يك مدرک جعلی یا غیر معتبر.

در مورد تعدد جرم هرگاه جرایم ارتكابي مختلف نباشد فقط يك مجازات تعیین می گردد و در این قسمت تعدد جرم می تواند از علل مشدده کیفر باشد.

۳-۳- خراشیدن یا تراشیدن

هر دو با وسایلی چون تیغ و چاقو انجام می شود. در خراشیدن بخشی از حروف کلمه و در تراشیدن کل کلمه محو می شود.

۳-۴- قلم بردن

در قلم بردن لزوماً چیزی به سند یا نوشته اضافه نمی شود بلکه مرتکب ممکن است با استفاده از قلم بخش هایی از يك سند یا نوشته را ناخوانا کرده یا بر روی آنها خط بکشد.

۳-۵- الحاق

در این مورد چیزی به سند اضافه می شود. در حقوق ایران سوء استفاده از سفید امضاء یا سفید مهر به طور خاص در ماده ۶۷۳ قانون تعزیرات پیش بینی

شده است. هرکس از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده است یا به هر طریق بدست آورده سوء استفاده نماید به يك تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

۳-۶- محو یا اثبات یا سیاه کردن

پاک کردن بخش هایی از نوشته با وسایلی مثل مداد پاک کن، لاک غلط گیر، آب، مواد شیمیایی و نظایر آنها.

بریدن و سوزاندن بخش هایی از سند در کامن لا جعل محسوب می شود، ولی در حقوق ایران تعقیب چنین شخصی تحت عنوان تخریب به جاي جعل ارجح به نظر برسد. واژه اثبات متضاد واژه ابطال و به معنی از حالت بطلان خارج کردن سند یا نوشته است، مثل این که مهر باطل شد، از روی گذرنامه پاک شود. منظور از سیاه کردن سند، ناخوانا کردن بخش هایی از آن با وسائلی مثل جوهر، مرکب، رنگ و نظایر آنها است.

۳-۷- تقدیم یا تاخیر سند نسبت به تاریخ حقیقی آن

شخصی پس از تنظیم شدن يك سند، تاریخ مندرج در آن را جلو یا عقب بیندازد.

۳-۸- الصاق نوشته ای به نوشته دیگر

در این مورد بخش هایی از يك نوشته به بخش هایی از نوشته دیگر منضم می شود تا آنچه که به وجود می آید نوشته واحدی تصور شود.

۳-۹- بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن

در این مورد مرتکب مهر دیگری را بدون اجازه صاحب آن مورد استفاده قرار می دهد. اصل مهم در تحقق جرم جعل امکان به اشتباه افتادن و فریب خوردن اشخاص دیگر است. سوء استفاده از سفید مهر سپرده شده به شخص، در حکم خیانت در امانت و سوء استفاده از سفید مهری که سپرده نشده بلکه خود شخص آن را بدست آورده بود جعل محسوب می گشت.

۴- عنصر مادي جرم جعل

عمل فيزيكي در جرم جعل: حقوقدانان ايراني معمولاً جعل را به دو بخش جعل مادي و جعل معنوي تقسيم مي كنند.

جعل مادي آنست كه در ظاهر و صورت نوشته يا سند و غيره خدشه اي وارد مي شود.

جعل معنوي يا مفادي آنست كه بدون ايراد هيچ گونه خدشه اي به اهر سند يا نوشته و غيره حقيقت در آنها تحريف شده و مطالب منتسب به ديگران به گونه ديگري در آنها منعكس مي شود.

الف) عمل فيزيكي در جرم جعل مادي

۱. جعل احكام يا امضاء يا مهر يا فرمان يا دستخط مقامات دولتي.
۲. جعل مهر، تمبر، منگنه يا علامت يكي از شركت ها يا مؤسسات يا ادارات دولتي يا نهادهاي انقلاب اسلامي يا نهادهاي عمومي.
۳. جعل احكام دادگاهها يا اسناد يا حواله هاي صادره از خزانه دولتي و منگنه يا علامتي كه براي تعيين عيار طلا يا نقره بكار مي رود.
۴. جعل اسكناس رايج داخلي يا خارجي يا اسناد بانكي يا اسناد اوراق بهادار و حواله هاي صادره از خزانه.
۵. جعل مدارك تحصيلي.
۶. جعل در اسناد و نوشته هاي غير رسمي.
۷. جعل در اسناد و نوشته هاي رسمي.
۸. عكس برداري از اوراق و مدارك.
۹. جعل در گواهي پزشكي.
۱۰. صدور گواهي نامه خلاف واقع (جرم مقيد).

۱۱. شركت در آزمون بجاي ديگري يا شركت دادن ديگري به جاي خود.

۴. جعل اسكناس داخلي يا خارجي مطابق قوانين فعلي ايران در صورتي جرم و قابل تعقيب تحت عنوان جعل خواهد بود كه در ايران يا خارج رواج داشته و

به عبارت ديگر پول قانوني يك کشور باشد و به علاوه شباهت بين اسکناس مجعول و اسکناس واقعي نیز رعايت شده باشد. مجازات جاعلين اسکناس هاي رايج خارجي در ايران مشروط به شرط عمل متقابل نشده است.

۷. اکثر حقوقدانان معتقدند که برخي از موارد مذکور در ماده ۵۲۳ از مصاديق جعل مادي و بقيه از مصاديق جعل معنوي مي باشند. ليکن به نظر نگارنده همه موارد چهارگانه مذکور در ماده از مصاديق جعل مادي مي باشند. جعل در رونوشت يا مصدق يا در برگه المثني اسناد رسمي نیز بايد در حکم جعل در اسناد رسمي محسوب گردد.

۱۱. اين مورد نیز ماهيتا جعل محسوب نمي گردد، ليکن قانونگذار به دليل حيله و تقلبي که در اين کار نهفته است آن را در فصل راجع به جعل و تزوير آورده است.

عنصر مادي جرم موضوع ماده ۵۴۱ براي فرد شرکت کننده نفس شرکت در آزمون است. شرکت در آزمون منوط بر آنست که آزمون عملا برقرار شده و فرد در آن، يا لااقل در بخشي از آن، حضور بهم رسانده باشد. و اگر از ورود او به داخل حوزه جلوگیری شود ظاهرا وي مرتکب جرم شرکت در آزمون نشده است.

(ب) عمل فيزيکي در جرم جعل مفادي

مرتکب هيچ گونه خدشه اي در اصل سند از لحاظ اينکه آن را بطور متقلبانه بسازد يا تغيير دهد ايجاد نمي کند بلکه مطالب منتسب به ديگران را بطور تحريف شده در سند يا نوشته وارد مي نمايد. با توجه به ماده ۵۳۴ قانون تعزيرات، عمل فيزيکي در جعل مفادي که از سوي کارکنان ادارات دولتي و مراجع قضايي و مامورين به خدمات عمومي در راستاي انجام وظيفشان قابل ارتکاب مي باشد عبارت از يکي از اعمال زير است:

۱. تغييرات موضوع يا مضمون.

۲. تحريف گفته و نوشته يکي از مقامات رسمي.

۳. تحريف تقريرات يکي از طرفين.

۴. امر باطلاي را صحيح يا صحيحي را باطل جلوه دادن.

۵. چيزي را که به آن اقرار نشده است اقرار جلوه دادن.

صرف گزارش ها و اظهارات خلاف واقع را نمي توان جعل محسوب کرد به همين دليل جرايم موضوع مواد ۵۳۹ و ۵۴۰ را ظاهرا نمي توان جعل دانست.

تمامي رفتارهاي فزيکي لازم براي تحقق جعل مادي تنها به شکل فعل مثبت قابل تحقق مي باشند. در مورد جعل مفادي نيز برخي همين نظر را داشته و اظهار مي کنند که به عنوان مثال، عدم ثبت اقليمي در دفتر محاسبات دولتي و برداشت آنها از نظر رويه قضايي ما اختلاس محسوب شده است نه جعل.

➤ شرايط و اوضاع و احوال لازم براي تحقق جرم جعل

۱. موضوع جعل بايد سند يا نوشته و يا ساير چيزهاي مذکور در قانون مثل تمبر، منگنه، علامت، امضاء و مهر باشد.

۲. جعل در چيزي قابل تصور است که خود آن ساختگي و تقلبي نباشد. حتي در رويه قضايي ما معمولا جعل در تصوير و فتوکپي را به رسميت نشناخته اند.

۳. بايد امکان مشتبه کردن و به اشتباه انداختن اشخاص متعارف وجود داشته باشد. يعني اين احتمال برود که آنها مورد ساختگي و تقلبي را با اصل اشتباه بگيرند.

۴. بالاخره مهمترين شرط قابل ذکر در مورد جعل، اعم از مادي يا مفادي، اينست که موضوع جعل بايد ماهيتا ساختگي و تقلبي باشد و صرف اينکه حاوي اطلاعات دروغ است کفايت نمي کند. تقلب بايد در اصل و ماهيت سند باشد. کسي که در پرسشنامه استخدومي خود به جاي کارشناس خود را کارشناس ارشد معرفي مي کن مرتکب جعل نمي شود. ولي کسي که در

مدرک کارشناسي صادره از سوي دانشگاه واژه ارشد را به دنبال کلمه کارشناسي مي افزايد مرتکب جعل مي گردد.

رکن نتيجه: حداقل ضرر بالقوه براي تحقق جرم جعل ضروري است. که بايد بين آن و عمل مادي فيزيکي در جرم جعل رابطه سببیت وجود داشته باشد. اولین نکته اينکه منظور از عنصر ضرر لزوما ورود ضرر بالفعل يا مستحقق نيست، بلکه ضرر بالقوه يا محتمل کفايت مي کند. ديوان عالي کشور در يکي از آراي خود اشعار مي دارد: اضرار آني شرط تحقق جرم جعل نيست، بلکه عمل جعل اگر در آینده و حتي بالقوه متضمن ضرر ديگري باشد، مورد با موارد مربوط به جعل منطبق است. بنا بر اين از بين بردن عمدي سند مجعول اصولاً مانع تعقيب جرم نخواهد بود. ارتکاب کسي به جعل ارقامي در دفتر غير رسمي خود جرم نيست، زيرا دفتر متهم که رسمي نبوده جز عليه خود او قانوناً در هيچ مقامي سنديت ندارد. بنا بر اين نمي توان عمليات او را در دفتر مزبور مشمول ماده ۱۰۶ قانون کيفر عمومي يا ساير مواد جزايي قرار داد.

آيا وجود خارجي نداشتن شخصي که سند به نام او ساخته شده باعث خروج عمل از عنوان جعل خواهد بود يا خير؟ ديوان عالي کشور ايران پاسخ منفي داده است.

يکي از ارکان اصلي جعل، اضرار غير است، خواه ضرر دولت باشد و يا ضرر افراد. جعل پروانه رسمي دولتي جرم است ولو اضرار به غير نداشته باشد؛ چه در اين قبيل وصف اضرار (يعني شرط و رکن اصلي جعل) اصولاً محسوب نخواهد شد.

اگر کسي به استخدام شدن در اداره اي از افراد معلوم و مشخصي معرفي نامه براي خود بسازد عمل وي را بايد جعل محسوب کرد، عمل کسي هم که اين معرفي نامه ها را از اشخاص حقيقي يا حقوقي موهوم، با عناوين و القابي که خود براي آنها ساخته است، مي سازد بايد جعل به حساب آيد.

نام متعارف موجب جعل نيست.

دومین نکته قابل ذکر در مورد رکن نتیجه آن است که هر چند در اکثر موارد جعل به قصد ایراد ضرر اقتصادي و کسب منافع اقتصادي ارتکاب مي يابد، لیکن ضرر در جرم جعل، برخلاف جرایم علیه اموال لزوماً ضرر مادي نیست؛ بلکه ضرر معنوي نیز کفایت مي کند. بنابراین کسی که با جعل مدرک ديپلم متوسطه قصد دارد در آزمون ورودی دانشگاه ها شرکت کند مرتکب جرم جعل مي شود. اما عمل وي کلاهبرداری يا شروع به کلاهبرداری نخواهد بود، چون هیچ نفع مادي مستقیمی برای وي متصور نیست.

اگر ضرر وارده به این شکل باشد که فرد با این کار خود بخواهد آثار جرم دیگری را پاک کند جرم جعل، با وجود سایر شرایط، محقق خواهد شد. بنابراین اگر کسی به قصد مخفی داشتن اختلاسی که قبلاً مرتکب شده است از دفاتر دولتي با تغییر ارقام تحریف کند، عمل جعل محسوب مي شود، اگرچه از تحریف منظوري جز محو آثار اختلاس نداشته باشد، و به این کیفیت بزه او متعدد محسوب و مستحق مجازات اختلاس و جعل است.

سومین نکته در مورد رکن ضرر در جعل اینست که عدم النفع نیز کفایت مي کند، البته به نظر مي رسد که باید منشاء نفع مشروع و حصول آن مسلم بوده باشد مثل آنکه کسی نام یکی از موصي لهم را از وصیت نامه دیگری پاک کرده و بدین وسیله او را از موصي به محروم سازد.

۵- شروع به جعل و تزویر

در شروع به جرم عنصر مادي به شکل ناقص رخ مي دهد. با عنایت به اینکه شروع به ارتکاب هر جرمي با توجه به کیفیات خاصه همان جرم تشخیص مي گردد، تهیه حروف سري و کلیشه به قصد جعل سفته شروع به جعل سفته تمبردار دولتي است. به نظر نگارنده بهترین مثال برای شروع به جعل و تزویر آنست که مرتکب اعمال متقلبانه را بر روی سند یا نوشته و یا چیز دیگر انجام داده ولي هنوز تمام نکرده باشد.

به نظر نگارنده شروع به استفاده از سند مجعول براساس ماده ۵۲۴ قابل مجازات نمی باشد و نباید ناگفته گذاشت که تحقق شروع به استفاده چندان قابل

تصور نمي باشد. منظور از استفاده بردن فايده عملي نيست و صرف ارائه كردن و استناد به سند مجعول جرم استفاده را محقق مي سازد.

۶- عنصر رواني جرم جعل

جرم جعل از زمره جرايم مادي صرف نمي باشد بلکه نيازمند عنصر رواني است. که بدون آن چيزي به عنوان جرم جعل وجود ندارد. براي تحقق عنصر رواني جرم جعل از يك سو بايد قصد ساختن يا تغيير دادن احراز شود. ليکن در جعل برخلاف كلاهبرداري، قصد انتفاع، چه براي شخص جاعل و چه براي شخص ثالث، اساسا ضرورتي ندارد و همين که جاعل قصد ايراد ضرر به قرباني اعم از ضرر مادي يا معنوي را داشته باشد و بدون توجه به اينکه آيا اين قصد وي محقق شده است يا خير، کفايت مي کند. عنصر قصد و نيت معمولاً از رفتار مرتكب استنباط مي شود. داغي و غرض در مسؤليت جاعل مؤثر نيست.

➤ تقسيم مال ثروتمندان بين فقرا بوسيله جعل

نيت مجرمانه بايد در لحظه ارتكاب جعل وجود داشته باشد تا شرط تقارن عنصر مادي با عنصر رواني محقق گردد.

➤ جرم جعل مذکور در قوانين متفرقه

۱. جعل هاي ارتكابي از سوي مستخدمين و اجزاء ثبت اسناد و املاك

ماده ۱۰۰: هريك از مستخدمين و اجزاء ثبت اسناد و املاك و صاحبان دفاتر رسمي عامدا يكي از جرم هاي ذيل را مرتكب شود، جاعل در اسناد رسمي محسوب و به مجازاتي که براي جعل و تزوير اسناد رسمي مقرر است محکوم خواهد شد.

اولاً: اسناد مجعوله يا مزوره را ثبت کنند.

ثانيا: سندی را بدون حضور اشخاصي که مطابق قانون باید حضور داشته باشند ثبت نماید.

ثالثا: سندی را به اسم کسانی که آن را معامله نکرده اند ثبت کند.

رابعا: تاریخ سند یا ثبت سندی را مقدم یا مؤخر در دفتر ثبت کند.

خامسا: تمام یا قسمتی از دفاتر ثبت را معدوم یا مکتوم کند یا ورقی از آن دفاتر را بکشد یا به وسایل متقلبانه دیگر ثبت سندی را از اعتبار و استفاده بپندارد.

سادسا: اسناد انتقالی را با علم به عدم مالکیت انتقال دهنده ثبت کند.

سابعا: سندی را که به طور وضوح سندیت نداشته و یا از سندیت افتاده ثبت کند.

ماده ۱۰۳: هر يك از مستخدمين واجزاي ثبت اسناد و املاك عالما تصدیقاتي دهد که مخالف واقع باشد در حکم جاعل اسناد رسمي خواهد بود.

۲. جعل هاي ارتكابي در اسناد سجلي.

۳. جعل و تزوير ارتكابي نظاميان.

۴. جعل تمبر و نقش تمبر.

۵. جعل کالا برگ (کوپن)

کوپن هاي کالاها را در حکم اوراق بهادار دانسته است. مجازات علاوه بر استرداد وجوه حاصله از اين اعمال، به زندان از يك سال تا پنج سال و به شلاق از ۱۰ تا ۷۴ ضربه محکوم مي شود. و براي کارمند ادارات مربوطه انفصال از يك تا ده سال نیز پیش بینی شده است.

۶. جعل چك هاي تضمين شده

هیات عمومي ديوان عالي کشور در يکي از آراي خود جعل اينگونه چك ها را در حکم جعل اسکناس محسوب کرده است.

۷. جعل گذرنامه يا جواز اقامت يا جواز عبور.

۸. جعل تصدیق صدور و ورود.

۹. ارتكاب جعل توسط كارشناس.

اگر چيزي را ذكر نكند به حبس از ۳ ماه تا يك سال و اگر خلاف واقع چيزي را ذكر کرده باشد به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال محكوم مي شود. جنائي تمام واقع را ذكر نكند به حبس از يك تا ۳ سال و اگر بر خلاف واقع چيزي ذكر کرده باشد به حبس از ۳ تا ۵ سال محكوم خواهد شد.

۱۰. ذكر تاريخ مقدم توسط ظهرنويس

هرگاه ظهر نويس در ظهر نويسي تاريخ مقدماتي قيد كند مزور شناخته مي شود. هر چند كه قانون تجارت نوشتن تاريخ را در ظهرنويسي ضروري ندانسته است. ليكن آثاري بر نوشتن تاذريخ مترتب است، مثل اينكه تاجر ورشكسته اي پس از صدور حكم ورشكستگي سندي را ظهرنويسي كند كه در چنين حالي ظهرنويسي وي باطل خواهد بود. بدین ترتیب هرگاه تاجر براي جلوگیری از چنين امري، تاريخ ظهرنويسي را قبل از تاريخ ورشكستگي بگذارد مزور محسوب خواهد شد.

۱۱. انتقال مال غير بوسيله سند رسمي

ماده ۱ قانون راجع به انتقال مال غير: هرگاه كسي مال غير را عينا يا منفعتا به ديگري منتقل كند كلاهبردار محسوب مي شود. مطابق ماده ۸: كساني كه معاملات تقلبي مذكوره در مواد فوق را بوسيله اسناد رسمي نموده يا بنمايد جاعل در اسناد رسمي محسوب و مطابق قوانين مربوط به اين موضوع مجازات خواهند شد.

۱۲. ارتكاب جعل براي فرار از خدمت وظيفه عمومي.

۱۳. جعل و تزوير در انتخابات.

➤ استفاده از سند مجعول

براي تحقق اين جرم و مسئول شناخته شدن مرتكب بايد:

۱. ماهيت جعلي سند يا نوشته و... احراز شود. اگر عنصر رواني و مادي با هم همزمان نباشند مجرم از لحاظ استفاده، مسئوليت كيفري خواهد داشت.
۲. براي مسئول شناخته شدن استفاده کننده وي علاوه بر ارتكاب عنصر مادي (مثل بكار بردن، تسليم كردن، انتشار دادن) برخوردار از عنصر رواني باشد، يعني استفاده کننده بايد، اولاً: عمد در استفاده از سند مجعول داشته باشد. ثانياً: قصد ايراد ضرر اعم از مادي يا معنوي را به شخصي اعم از حقيقي يا حقيقي داشته باشد.
۳. قابليت ورود ضرر بايد محرز باشد. براي تحقق جرم استفاده از سند مجعول نيز حداقل بايد احتمال ورود ضرر، اعم از مادي يا معنوي، به شخص ديگري، اعم از حقيقي يا حقيقي وجود داشته باشد.

نکته قابل ذکر ديگر در مورد جرم استفاده از سند مجعول آنست که، برخلاف کلاهبرداری که در آن باید انسانی فریب بخورد (انداختن يك سکه تقلبي درون دستگاه و اخذ مواد خوراكي کلاهبرداری محسوب نمی شود. ولي دادن آن به مغازه دار و اخذ جنس کلاهبرداری محسوب می شود.) در جرم استفاده از سند مجعول این کار می تواند با استفاده از يك دستگاه یا ماشین هم رخ دهد. بنابراین کسی که از کارت اعتباري جعلي براي اخذ پول از دستگاه، به جرم استفاده از سند مجعول محکوم می شود، و اگر این کار را چند بار تکرار کند احکام راجع به تعدد جرم در مورد او اعمال خواهد شد. هر کس اوراق مجعول مذکور در مواد ۵۳۲ و ۵۳۳ و ۵۳۴ را با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جبران خسارت وارده، به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال یا به ۳ تا ۱۸ میلیون ریال جزاي نقدي محکوم خواهد شد.

۹- تکرار و تعدد در جرایم جعل و استفاده از سند مجعول

جرایم جعل و استفاده از سند مجعول از نظر تقسیم بندي فقهی جزء جرایم قابل تعزیر به شمار می روند. و بنابراین تکرار یا تعدد ارتكاب هر کدام از آنها می تواند موجب تشدید مجازات حسب نظر قاضي شود. صرف وحدت

هدف باعث نمي شود که جعل در اسناد مختلف را جعل واحد محسوب کنيم. جعل هاي ارتكابي در اسناد متعدد، حتي زماني که به منظور رسيدن بع يك نتيجه باشند، از موارد تعدد محسوبند.

هرگاه کسي در چند جاي سند يا نوشته واحدي تغيير بدهد، مثل اينکه در يك فقره چک هم نام دريافت کننده و هم تاريخ و هم مبلغ را تغيير دهد، به نظر نگارنده تنها مرتکب يك جرم جعل شده است.

جرائم جعل و استفاده از سند مجعول يا جعل و کلاهبرداري (در صورتي که توسط فرد واحدي ارتکاب يابند) از باب تعدد مادي و دو جرم استفاده از سند مجعول و کلاهبرداري از باب تعدد معنوي قابل تعقيب خواهند بود.

هرگاه استفاده کننده از سند مجعول قصد بردن مال ديگري را نداشته باشد عمل وي استفاده از سند مجعول است ولي هرگاه قصد بردن مال ديگري را داشته باشد و موفق هم بشود تحت هر دو عنوان استفاده از سند مجعول و کلاهبرداري قابل تعقيب مي باشد. اکثر محاکم ايران و فرانسه جعل و استفاده از سند مجعول را حتي نسبت به جاعل، دو جرم دانسته و مقدمه بودن يکي از اين دو براي ديگري را موجب معافيت مرتکب از کيفر يکي از دو بزه دانسته اند.

در صورتي مي توان مرتکب را هم به ارتکاب جرم جعل و هم به استفاده از سند مجعول محکوم کرد که وي در واقع دو فعل متفاوت مرتکب شده باشد، والا هرگاه از او در عالم خارج بيش از يك فعل مشاهده نشده باشد، نسبت دادن ارتکاب دو جرم به وي چندان معقول نخواهد بود. بنا بر اين هرگاه کسي با مراجعه به اداره پست يا بانک رسيد حواله اي را که به نام ديگري است امضاء کرده و مبلغ حواله را دريافت نمايد يا با مراجعه به اداره نظام وظيفه ضمن امضاء برگه اي که به نام ديگري است برگه پايان خدمت او را بگيرد، ظاهرا بايد وي را به ارتکاب جرم جعل محکوم کرد، زيرا تنها يك فعل از او سر زده است. برعکس، هرگاه او در خانه اش ورقه شناسايي به نام شخصي که صاحب اصلي حواله يا برگه پايان خدمت مي باشد جعل کرده و سپس با ارائه آن به بانک يا اداره پست يا اداره نظام وظيفه حواله يا برگه پايان خدمت

حقوق جزاي اختصاصي ۳

را بگیرد، با توجه به ارتکاب دو فعل متمایز جعل و استفاده از سوي او، حکم به ارتکاب دو جرم و در نتیجه تحمل دو مجازات از سوي او نامعقول نخواهد بود. در صورتي که جاعل شخصا از سند مجعول استفاده نماید، حسب مورد به اشد مجازات محکوم مي شود.

دانلود جزوات و نمونه سوالات بیشتر در کانال تلگرام ما
[telegram.me/sopnuu](https://t.me/sopnuu)

فصل سوم

قلب سکه و ترویج سکه قلب

قدمت بزه سکه سازي به زمان پيدایش خود سکه باز مي گردد.

➤ ساختن سکه قلب

به موجب قانون مسکوکات طلا: امتیاز ضرب سکه با دولت است و شخص دیگری حق ضرب سکه را ندارد. منظور از ساختن سکه تقلبی آنست که مرتکب با تهیه کردن مقداری از فلزاتی که در مسکوک اصلی به کار رفته اند و فراهم آوردن، وسایل و ابزار لازم؛ مثل وسایل قالب گیری و منگنه، دست به سکه سازي بزند.

شرط تحقق ساختن سکه قلب آنست که سکه ساخته شده شبیه سکه اصلی باشد و در صورت عدم شباهت، این جرم محقق نمی شود. لیکن شباهت ظاهری که بیننده عادی را در نگاه اول به اشتباه بیندازد کافی است.

● هرگاه فقط يك طرف سکه شبیه باشد آیا قلب سکه محقق می شود؟

به نظر نگارنده باید همان ضابطه پیش گفته را اعمال کرد. هرگاه طرف غیر مشابه طرف اصلی نبوده و معمولاً مورد توجه گیرندگان قرار نگیرد، عدم شباهت آن نباید موجب خروج عمل از عنوان قلب سکه شود. برعکس هرگاه عدم شباهت يك طرف نیز امکان معقول گول خوردن افراد متعارف را منتفی سازد، تحقق جرم قلب سکه در چنین صورتی منتفی خواهد بود.

۱. ساختن سکه تقلبی طلا و نقره: ماده ۵۱۸: داخلی بیا خارجی، که مورد معامله واقع شود، بسازد یا داخل کشور کند یا خرید و فروش کند یا ترویج سکه قلب نماید به حبس از يك تا ده سال محکوم می شود. به نظر نگارنده مورد معامله واقع شدن، رواج نسبی داشتن، یعنی اینکه این مسکوکات به سهولت در بازار دست به دست شوند.

۲. ساختن سکه تقلبي غير طلا و نقره: عنصر قانوني اين جرم را ماده ۵۲۰ قانون تعزيرات تشکيل مي دهد. که مجازات کمترى را براي اين جرم نسبت به ساختن سکه طلا يا نقره پيش بيني کرده است. ماده ۵۲۰: هرکس شبیه مسکوکات رايج داخلي يا خارجي غير از طلا و نقره را بسازد يا عالما عامدا آنها را وارد کشور نماید، يا در ترويج آنها شرکت کند، يا مورد خريد و فروش قرار دهد به حبس از يك تا سه سال محکوم مي شود. بنابر اين سکه هايي که رواج ندارد يا آنهائي که از رواج افتاده است (سکه رژيم گذشته) موضوع اين جرم قرار نمي گيرد. منظور از رايج بودن مورد معامله واقع شدن نيست. بلکه منظور آنست که سکه ساخته شده پول قانوني يك کشور باشد. اين واقعيت بايد در زمان ساخته شدن سکه وجود داشته باشد و اينکه سکه ساخته شده بعدا از رواج افتاده است مؤثر در مقام نمي باشد.

۳. مخدوش کردن سکه طلا و نقره: ماده ۵۱۹ قانون تعزيرات: هرکس به قصد تقلب به هر نحو از قبيل تراشيدن، بریدن و نظاير آن از مقدار مسکوکات طلا يا نقره ايراني يا خارجي بکاهد يا عالما عامدا در ترويج اين قبيل مسکوکات شرکت يا آن را داخل کشور نماید به حبس از يك تا سه سال محکوم مي شود. منظور از مخدوش کردن سکه آنست که: کسي با استفاده از وسايل برقي مثل، مته يا وسايل شيميائي مثل، اسيد، مقداري از فلز گرانبهائي موجود در سکه را جدا کند تا فلز جدا شده رامورد استفاده قرار دهد يا بفروشد. در مخدوش کردن چيزي از وزن سکه کاسته نمي شود؛ زيرا به جاي آن فلز کم ارزش جايگزين مي شود.

۴. ترويج يا خريد و فروش سکه قلب يا مخدوش: منظور از ترويج آنست که کسي با علم به فساد سکه آن را به جريان اندازد و به ديگري بدهد يا داخل دستگاه فروش مواد خوراكي اندازد. ترويج سکه قلب يا مخدوش در ايران جرم است هرچند که در خارج ايران توسط ترويج کننده يا ديگري ساخته و مخدوش شده باشد.

۵. داخل کردن سکه قلب يا مخدوش به کشور: استفاده از سکه در داخل کشور شرط تحقق جرم نيست؛ يعني حتي اگر وارد کننده قصد ترويج يا

فروش سکه را در داخل نداشته باشد نیز وي به صرف وارد کردن عالمانه آن قابل مجازات خواهد بود.

۶. تخفیف یا معافیت از مجازات برای جاعلین و متقلبین: جرایم جعل اسناد و نوشته ها و قلب سکه از زمره جرایم علیه آسایش عمومي هستند. زمانی را که رئیس دادگستري دستور به جریان افتادن پرونده را در آن حوزه ها مي دهد، به عنوان شروع مرحله تعقیب به حساب آورد. در هر حال برای استفاده از تخفیف یا معافیت باید مجرم قبل از تعقیب مراتب ارتکاب جرم را به دولت اطلاع داده و هم دستان خود را در صورت وجود معرفي نماید. در صورتی که تعقیب آغاز شده باشد وي مي تواند با فراهم نمودن وسایل دستگیری آنها از تخفیف برخوردار گردد.

۷. ضبط اموال تحصيلي به نفع دولت: ماده ۵۲۲ علاوه بر مجازات هاي مقرر در مواد ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ کلیه اموال تحصيلي از طریق موارد مذکور نیز به عنوان تعزیر به نفع دولت ضبط مي شود.

۸. عنصر رواني جرم قلب سکه: ۱- سوء نیت عام. ۲- سوء نیت خاص. وجود سوء نیت عام يعني عمد در قلب یا مخدوش کردن یا ترویج یا داخل کردن سکه به کشور لازم است. وجود قصد تقلب نیز به عنوان سوء نیت خاص لازم است. منظور از قصد تقلب آنست که مرتکب قصد داشته باشد که با حيله و فریب اشخاص، اعم از حقيقي یا حقوقی و از جمله دولت را متضرر سازد.

۹. معاونت در قلب و مخدوش کردن سکه، جعل و تزویر و استفاده از سند مجعول: منظور از معاون کسی است که بدون اینکه جرم مستند به عمل او باشد، مجرم را مورد تحريك، ترغیب، تهدید یا تطمیع قرار دهد. یا بوسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم مي شود. یا اینکه وسیله ارتکاب جرم را تهیه نموده یا طریق ارتکاب آن را به مرتکب ارائه مي دهد و یا بطور کلي وقوع جرم را تسهیل مي کند. این اعمال باید همزمان با عمل مباشر یا قبل از آن انجام گیرد. بنابراین کسی که پس از وقوع جرم مانع کشف حقیقت شود معاون جرم محسوب نمي گردد. از نظر عنصر رواني، معاون باید دارای همان سوء نیت عام و خاص لازم

براي مباشر باشد. يعني اينکه؛ اولاً عامداً به مباشر کمک کند. ثانياً از قصد وي دایر بر فریب دادن دیگری آگاهی داشته باشد.

نکته دیگر در مورد مجازات معاون اینست که هرگاه مباشر به هر دلیل از تحمل مجازات معاف گردد، این امر تأثیری بر مسؤلیت معاون نخواهد گذاشت. لیکن اگر مباشر به طور کلی به دلیل فقدان بخشی از عنصر مادی یا عنصر روانی جرم، برائت حاصل نماید مسؤول شناختن معاون قابل توجیه نخواهد بود. بدین ترتیب همان طور که ساختن سکه بهار آزادی چهار گوش یا آبی رنگ قلب سکه محسوب نمی شود، مساعدت به دیگری در ساختن چنین سکه هایی نیز معاونت در جرم قلب سکه محسوب نخواهد شد. در اینجا خوب است به یکی از آرای دیوان عالی کشور اشاره کنیم که در آن کسی که عمل فیزیکی جرم جعل را انجام داده معاون محسوب شده است. ((اگر کسی در صدد تغییر تاریخ تولد فرزندش در شناسنامه او بوده و از لحاظ اینکه سواد نداشته این کار را بوسیله شخص دیگری انجام دهد در حقیقت جاعل خود او محسوب است و نویسنده در این مورد هیچ گونه داعی و غرضی برای اصل عمل نداشته و نباید مجرم اصلی شناخته شود. ولی اگر کسی که تغییر را انجام داده است با علم و سوء نیت این کار را کرده باشد، عمل او معاونت در جعل محسوب می شود. (...)) لیکن نگارنده با این نظر موافق نمی باشد و معتقد است که در هر حال کسی که عمل فیزیکی جرم را با برخورداری از سوء نیت انجام می دهد باید مباشر جرم محسوب شود. اجرای مجازات جعل یا استفاده از سند مجعول قابل تعلیق نیست، لیکن مجازات معاون این جرم قابل تعلیق می باشد.

دانلود جزوات و نمونه سوالات بیشتر در کانال تلگرام ه
[telegram.me/sopnuu](https://t.me/sopnuu)

فصل چهارم

رشا و ارتشا

واژه روشوه از ریشه رشو و به معني ضايع نمودن حقي است. گاهي هم به معني كود و خاشاك نيز به كار رفته است.

رشوه دادن را رشا و رشوه گرفتن را ارتشا مي نامند.

رشوه دادن و رشوه گرفتن از زمره جرايم عليه آسائش عمومي مي باشد. در كنوانسيون، شايد، به پيروي از حقوق فرانسه، رشوه به رشوه ايجابي و رشوه سلبی تقسيم شده است كه اولي معادل رشا (رشوه دادن) و دومي معادل ارتشا (رشوه گرفتن) به كار رفته است.

۲- رشا و ارتشا در قوانين قبلي ايران.

۳- رشا و ارتشا در قوانين فعلي ايران:

رشا يا رشوه دادن را مي توان به معني دادن وجه مال يا سند تسليم وجه يا مال به ماموران دولت يا كاركنان شاغل در نهاد هاي عمومي و ساير افراد مذكور در قانون براي انجام يا عدم انجام وظائف مرتبط با اداره يا سازمان محل اشتغال آنها.

و ارتشا يا رشوه گرفتن را به معني اخذ، وجه، مال يا سند تسليم وجه يا مال از سوي ماموران دولت يا كاركنان شاغل و ساير افراد مذكور در قانون براي انجام يا عدم انجام وظائف مرتبط با اداره يا سازمان محل اشتغال آنها دانست. اين جرايم را بايد از جمله جرايم برخوردار از ماهيت عمومي و غيرقابل گذشت دانست و گذشت شاكی يا مدعي خصوص را تنها به عنوان يك كيفيت مخففه محسوب كرد.

۴- عنصر مادي در جرايم رشا و ارتشا

عمل فيزيكي لازم براي تحقق عنصر مادي جرايم رشا و ارتشا عبارت است از دادن يا قبول كردن وجه يا مال يا سند پرداخت وجه يا تسليم مال كه اولي عمل فيزيكي در جرم رشا و دومي عمل فيزيكي در جرم ارتشا مي باشد. و نيز انجام

معامله با مبلغ غير واقعي. منظور ماده ۳ از قبول نمايد، آنست که کارمند مورد بحث وجه يا مال يا سند را اخذ نمايد. بنا بر اين به صرف اينکه وي پيشنهاد ارباب رجوع را براي دادن وجه يا مال يا سندي به وي بپذيرد جرم ارتشا محقق نخواهد شد. در قانون ايران قبول نمودن مال را شرط تحقق ارتشا دانسته اند.

درخواست، عملي يك جانبه از سوي مرتشي مي باشد که بدون نياز به قبول شدن از سوي طرف مقابل، موجب تحقق عنصر مادي جرم ارتشا از لحاظ قانون مصر مي گردد. در هر حال به نظر مي رسد که تحقق جرم منوط به آنست که عملا انتقال مالکيت صورت بگيرد و الا اگر معامله انجام شده به دليل وجود يکي از موانع صحت معاملات در آن، مثلا موجود نبودن مبيع در بيع عين معين يا وجود شرط خلاف مقتضاي عقد در آن يا مالک نبودن انتقال دهنده و يا هر دليل ديگري باطل و کان لم يکن محسوب گردد، حداکثر مي توان حکم به تحقق شروع به جرم داد؛ زيرا در چنين حالي خريد و فروش يا انتقال دادن، گرفتن به عنوان عمل فيزيکي لازم براي تحقق عنصر مادي جرم به وقوع نپيوسته است.

بدین ترتيب معلوم مي شود که هر چند در دادن مال يا وجه براي تحقق جرم رشا يا ارتشا مالکيت راشي نسبت به مالي که به عنوان رشوه مي دهد شرط نيست و اگر راشي مال مسروقه را هم به عنوان رشوه بدهد از مصاديق رشا مي باشد. ليکن در صورت انجام معامله حتما بايد معامله صحيح باشد به گونه اي که انتقال مالکيت صورت گيرد. و الا جرايم تام رشا و ارتشا به وقوع نخواهد پيوست. حالت پيچيده تر وقتي است که معامله انجامی شده باطل نبوده بلکه به عللي مثل مالک نبودن انتقال دهنده يا مکره بودن مالک (شخص ثالث) انتقال غير نافذ بوده باشد.

• در چنين حالي در صورت تنفيذ بعدي مالک آيا مي توان حکم به تحقق جرم رشا و ارتشا داد و اگر بلي، از چه زماني مي توان اين جرايم را محقق دانست؛ از زمان تنفيذ يا از زمان انجام معامله اوليه؟

نظر نگارنده آنست که با توجه به اينکه به موجب قانون ايران رضاي مالک کاشف مي باشد و نه ناقل و باعث صحيح شدن معامله از همان زمان انعقاد مي

گردد، در این مورد نیز باید در صورت تنفیذ بعدی معامله از سوی مالک جرایم رشا و ارتشا را از همان زمان انجام معامله محقق دانست.

از لحاظ جزء سوم عنصر مادی: یعنی عنصر نتیجه باید گفت که جرایم مورد بحث از جمله جرایم مطلق می باشند و تحقق آنها منوط به تحقق نتیجه خاصی نمی باشد.

در مورد جزء دوم عنصر مادی: یعنی مجموعه شرایط و اوضاع و احوالی که وجود یا عدم آنها برای تحقق جرم ضروری است، می توان به چند شرط و نکته مهم اشاره کرد.

۱. اینکه جرایم رشا و ارتشا در صورتی قابل تحقق هستند که رشوه گیرنده (مرتشی) از زمره کارکنان دولت باشد.

۲. برای تحقق دو جرم مورد بحث در قانون ایران جنبه مالی داشتن آن چیزی است که داده و گرفته می شود. بنابراین هرگاه کامند در عوض مقاله ای که در تعریف از او در روزنامه چاپ می گردد، یا اینکه فرزندش در مدرسه خوبی ثبت نام و یا به خودش شغل خوبی پیشنهاد می گردد، یا به صرف درخواست کسی کاری را برخلاف وظیفه انجام دهد یا از انجام آن خودداری ورزد مرتشی محسوب نخواهد شد. هم چنان که طرف مقابل راشی محسوب نمی شود. از آنچه که در مورد لزوم وجود يك توافق صریح یا ضمنی بین راشی و مرتشی از نظر حقوق ایران گفتیم نباید استنباط کرد که محکومیت کسی به رشوه گرفتن حتما مستلزم محکوم کردن دیگری به رشوه دادن است. و چه بسا يك طرف بنا به علل شخصی مثل نداشتن عنصر روانی لازم یا اضطرار از تعقیب کیفری معاف و طرف مقابل محکوم شود. اگر متهم به اخذ رشوه به علل غیر شخصی از جرم انتسابی برائت حاصل نماید محکومیت راشی به همان جرم قابل توجیه نخواهد بود.

۳. هر چند جنبه مالی و مادی داشتن آنچه که داده و گرفته می شود شرط تحقق این جرایم در حقوق ایران می باشد و جرایمی که موضوع آنها را مال تشکیل می دهد (کلاهبرداری، سرقت، خیانت در امانت) میزان و ارزش اقتصادی مالی که به عنوان رشوه داده شده است تأثیری از لحاظ

حقوق ايران برخلاف حقوق آمريكا در مسؤليت كيفري مرتكب ندارد، و فقط در ميزان مجازات وي مؤثر است.

۴. اينكه پنهاني بودن عمل دادن يا گرفتن مال نمي تواند ركني از ارکان جريمه رشا و ارتشا باشد. بنا بر اين حتي در صورت علني بودن اين كار نيز جريمه مورد بحث با وجود ساير شرايط ارتكاب مي يابند. پنهاني بودن تنها ممكن است قرينه اي باشد براي احراز ساير شرايطي كه براي تحقق عنصر مادي و رواني جرم لازم است.

۵. آنچه كه داده يا گرفته مي شود لازم نيست برا خود مرتكب داده يا گرفته شود بلكه حتي اگر او آن را براي شخص ثالثي هم داده يا بگيرد كفايت مي كند.

۶. براي تحقق جريمه رشا و ارتشا بايد اخذ يا اعطاي مال يا، وجه يا سند و يا انجام معامله صوري براي انجام دادن يا انجام ندادن امري كه مربوط به سازمان هاي مزبور است انجام گرفته باشد اعم از اينكه امر مذکور مربوط به وظائف آنها بوده يا اينكه مربوط به مامور ديگري در آن سازمان باشد. بدین ترتيب هرگاه كاري كه كارمند انجام يا عدم انجام آن را بر عهده مي گيرد، ربطی به وظائف سازمانی كه وي در آن كار مي كند نداشته باشد، مثل اينكه يك كارمند وزارت امور خارجه از كسي بابت تسهيل روند صدور پروانه ساختمان وي در شهرداري وجوهي را اخذ نمايد، حكم به ارتكاب رشا و ارتشا ممكن نخواهد بود. دادن وجه به مستخدم دولت براي انجام يا عدم انجام كاري رشوه است؛ اعم از اينكه انجام و عدم انجام كار در اختيار وظائف مستخدم مزبور باشد يا داخل در وظائف مستخدم ديگر دولت باشد. در حقوق ايران تفاوتی نمی كند كه انجام كار مورد نظر بر طبق حقانيت و وظيفه بوده يا نبوده باشد. محكوم كردن مرتكب به ارتشا بعيد به نظر نمی رسد هر چند كه طرف مقابل از تعقيب كيفري معاف خواهد بود.

۷. انجام دادن يا ندادن كاري كه بابت آن رشوه داده و گرفته شده است و نيز اينكه آيا رشوه داده شده در انجام يا عدم انجام آن مؤثر بوده است يا خير، مؤثر در مقام نيست.

۸. صرف اینکه مرتکب در مقابل اخذ مال کاري بیش از حد وظایف اداريش را براي طرف مقابل انجام داده است باعث معافيت وي از مسئوليت کيفري در قبال جرم ارتشا نخواهد شد.

۹. اینکه مقدم بودن اخذ مال نسبت به انجام کار مورد انتظار توسط مرتشي ضرورتي ندارد بلکه اخذ مال مي تواند پس از انجام کار مورد انتظار نیز صورت گیرد ولي در هر حال به نظر مي رسد که از نظر حقوق ايران بايد نوعي توافق هر چند ظاهري در اين مورد وجود داشته باشد و به عبارت ديگر کار مورد انتظار در قبال دريافت وجه يا مال يا سند پرداخت وجه يا تسليم مال انجام گرفته باشد.

۵- شروع به ارتکاب رشا و ارتشا

در شروع به ارتکاب جرم عليرغم اینکه هنوز ضرري به جامعه وارد شده است، شروع کننده را به دليل حالت خطرناکي که از خود نشان داده است مجازات مي کنيم، البته شروع به ارتکاب جرم مثل هر جرم ديگري در صورتي قابل مجازات خواهد بود که قانون به اين امر تصريح کرده باشد. به علاوه مجرد قصد ارتکاب جرم و عمليات و اقداماتي که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقيم با جرم نداشته باشد، شروع به جرم نبوده و از اين حيث قابل مجازات نيست. در قوانين ايران حکمي راجع به شروع به عمل رشا يافت نمي شود ليکن شروع به ارتشا در تبصره ۳ ماده ۳ و ماده ۵۹۴ حداقل مجازات مقرر در جرم تام براي شروع کننده در نظر گرفته شده است.

در موردی که در اصل ارتشا انفصال دائم پيش بيني شده است در شروع به ارتشا به جاي آن سه سال انفصال تعيين مي شود.

۶- عنصر رواني در جرایم رشا و ارتشا

قانونگذار در ماده ۵۹۲ راجع به رشا قيود عالما عامدا را بکار برده و در ماده ۳ قانون تشديد راجع به ارتشا ذکري از اين واژه ها به ميان نياورده است. ليکن براي تحقق هر دو جرم مرتکب بايد از روي عمد و اختيار مالي را از ديگري

گرفته (ارتشا) و يا به او داده باشد (رشا). و اگر در خواب و مستي صورت بگيرد فاقد مسئوليت كيفري خواهد بود. بعلاوه مرتكب يا مرتكبان بايد به موارد زير عالم باشند:

۱. اينكه راشي و مرتشي از سمت مرتشي به عنوان كارمند دولت مطلع باشند و الا اگر بدون اطلاع آنها براي گيرنده وجه ابلاغ كارمندي دولت صادر شده باشد فرد جاهل را نمي توان به ارتكاب يكي از دو جرم محكوم كرد.

۲. مرتكب بايد بداند كه وجه يا مال يا سند در قبال انجام دادن يا ندادن امري كه مربوط به سازمان متبوع گيرنده آنست داده مي شود؛ و الا اگر شخص تصور كند كه مال به عنوان باز پرداخت دين يا وديعه يا هديه منزل نو داده شده است مسئوليت كيفري نخواهد داشت.

بنابريان كسي را كه به يكي از دو موضوع سابق الذكر ناآگاه مي باشد ولي پس از دادن مال و آگاهي يافتن از آنها اقدامي براي پس گرفتن مال يا گزارش كردن موضوع به مقامات صالحه به عمل نمي آورد نمي توان راشي دانست.

۷- مجازات جرم ارتشا در حقوق ايران

ماده ۳ قانون تشديد براي مرتشي مجازات هاي حبس، جزاي نقدي، شلاق و انفصال را تعيين کرده است كه ميزان آن بستگي به قيمت مال ماخوذ و مرتبه مرتكب دارد. در مورد اينكه آيا انفصال از خدمت اعم از دائم يا موقت مشمول عفو قرار مي گيرد يا خير، اداره حقوقي قوه قضائيه طي يك نظريه مشورتي اظهار داشته است: در قوانين جاريه اصل مسلم اينست كه حكم قطعي لازم الاجرا است و تا زماني كه يكي از موجبات سقوط مجازات مانند عفو تحقق نيافته است نمي توان از اجراي حكم خودداري نمود. بنا بر اين چون عفو امري استثنائي است بايد به متن فرمان و خصوصيات منعكس در آن توجه شود و به قدر متقين اکتفا كرد. اصولاً فرمان عفو مجازات هاي مشمول عفو را به تفصيل احصا نموده و اگر در آنها از انفصال از خدمت نامي برده نشده باشد نمي توان آن را مشمول عفو دانست.

به نظر نگارنده با توجه به اینکه با دریافت چک جرم تام ارتشا تحقق مي يابد و دریافت کننده در حکم مرتشي است دليلي براي محکوم نکردن گیرنده چک به پرداخت جزاي نقدي وجود ندارد. طبق نظريه دوم/ نظريه اول جزاي نقدي را رد مي کند.

در مورد تعيين قيمت مال بايد اشاره کنیم که قيمت زمان اخذ آن در بازار و نزد مردم ملاک خواهد بود و نه قيمت يارانه اي و خاص آن از نظر دولت. در مورد اینکه آیا قرار بازداشت موقت تنها ناظر به مرتشي است يا اینکه راشي را نیز در بر ميگيرد؛ چون مجازات راشي ضبط مالي است که به عنوان رشوه پرداخت نموده و مجازات ديگري ندارد و آن مال هم نزد او نيست لذا اخذ تامين از او نبايد به نحوي باشد که منجر به بازداشت و سلب آزادي او گردد و بايستي تامين متناسب با مجازات مذکور گرفته شود بنابر اين تبصره ۴ ماده ۳ ناظر به مرتشي است نه راشي.

۸- موارد تشديد مجازات مرتشي

جرم ارتشا که مجازات آن در ماده ۳ قانون تشديد و تبصره هاي مربوط به تناسب قيمت مال يا وجه ماخوذ معين شده از جرایم عمومي مي باشد. و رسيدگي به آن در صلاحيت دادگاههاي عمومي دادگستري است. ماده ۴ اين قانون ناظر به تشديد مجازات کساني مي باشد که با تشکيل يا رهبري شبکه چند نفری به امر ارتشا مبادرت نمايند و تشديد مجازات تائيري در صلاحيت دادگاههاي عمومي ندارد. اما چنانچه دادگاه تشخيص دهد که تشکيل يا رهبري شبکه چند نفری براي اخلال در نظام جمهوري اسلامي ايران باشد، مورد مشمول ذیل ماده مرقوم مي گردد و رسيدگي با دادگاههاي انقلاب اسلامي خواهد بود.

۹- مجازات جرم رشا در حقوق ايران

ماده ۵۹۲ قانون تعزيرات: براي رشوه دهنده علاوه بر ضبط مال ناشي از ارتشا مجازات حبس از ۶ ماه تا ۳ سال و تا ۷۴ ضربه شلاق پيش بيني کرده است. ضبط مال ناشي از ارتشا به نفع دولت به عنوان تعزير رشوه دهنده در تبصره ۲ ماده ۳ نیز مورد اشاره قرار گرفته است. هرگاه چک به عنوان رشوه

داده شده باشد با توجه به ماده ۵۹۲ باید حکم به ضبط مبلغ مندرج در چك و نه صرفا برگه چك داده شود. اگر دادگاه عنوان رشوه را بر عمل متهم شامل ندانست و حکم به تبرئه او داد نباید حکم به ضبط وجه مورد ادعا بدهد.

۱۰- موارد تخفیف و معافیت از مجازات برای راشی

اگر در هر مورد از موارد ارتشا، راشی قبل از کشف جرم مامورین را از وقوع بزه آگاه سازد از تعزیر مالی که عبارت است از ضبط مال داده شده به عنوان رشوه معاف خواهد شد و در مورد امتیاز طبق مقررات عمل خواهد می شود. هرگاه راشی قبل از کشف جرم مراتب را به اطلاع ماموران ذیصلاحیت نرساند بلکه در ضمن تعقیب با اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب مرتشی را فراهم نماید، تا نصف مالی که به عنوان رشوه پرداخته است به وی بازگردانده می شود و امتیاز نیز لغو می گردد.

۱۱- موارد خاص رشا و ارتشا و جرایم مرتبط با آنها

۱. رشا و ارتشا در مورد داوران، ممیزان و کارشناسان. ماده ۵۸۸: هر يك از داروران و ممیزان و کارشناسان اعم از این که توسط دادگاه یا توسط طرفین معین شده باشد چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر و اتخاذ تصمیم نماید، به حبس از ۶ تا ۲ سال یا جزای نقدی از ۳ تا ۱۲ میلیون ریال محکوم و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مؤدی به نفع دولت ضبط خواهد شد. منظور از کارشناسان لزوما کارشناسان رسمی دادگستری نمی باشند. در مورد داوران تردیدی وجود ندارد که منظور اشخاصی هستند که بدون برخورداری از مقام قضایی توسط طرفین یا نهاد منسوب کننده به عنوان داور برای حل و فصل اختلاف برگزیده شده اند.

۲. تسهیل ارتشا: عمل واسطه گری و ایجاد تسهیلات در این جرم می باشد، که مرتکب این کار ((رایش)) نامیده شده است. ماده ۵۹۳: هرکس عالما و عامدا موجبات تحقق جرم ارتشا، از قبیل مذاکره، جلب، موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال یا سند پرداخت وجه را فراهم نماید، به مجازات راشی برحسب مورد محکوم می شود.

۳. ارتكاب ارتشا از سوي نظاميان.
۴. ثروت هاي ناشي از رشوه.
۵. ارتشا در امر نظام وظيفه.
۶. اخذ رشوه از سوي پزشك براي دادن گواهي خلاف واقع.
۷. اخذ كميسيون و پورسانت.